



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی

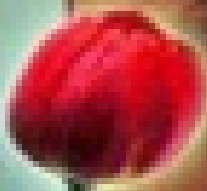


عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

ابوطالب زیدی

سید مروان



سید علی قاضی عسکر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ابوطالب یزدی : شهید مروه

نویسنده:

علی قاضی عسکر

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	ابوطالب یزدی : شهید مروه
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۴	مقدمه
۱۹	حرکت به سوی مکه
۲۱	گزارش روزنامه انگلیسی
۲۳	گزارش سفارت ایران از مصر
۳۴	اطلاعیه دولت سعودی
۳۴	تکذیب اطلاعیه
۳۵	متن اعتراضیه سفارت ایران
۳۶	پیشنهاد نخست‌وزیر مصر
۳۹	پاسخ تند دولت سعودی به نامه اعتراضیه
۴۳	ترجمه متن نامه
۵۳	توجیه افکار عمومی
۵۶	پاسخ دولت سعودی
۵۸	تهدید به قطع رابطه
۵۸	پاسخ سرد سعودی‌ها
۵۹	نامه آقای سید باقر کاظمی
۶۰	چند پرسش
۶۳	پاسخ سفیر
۷۱	پیشینه این اتهام ناروا
۷۳	ملاقات با محمد صلاح‌الدین

۷۴	افشاگری مهم یک حاجی مصری
۷۶	تأیید توطئه
۷۸	بخشنامه مهمه وزارت امور خارجه
۸۲	اطلاعیه وزارت امور خارجه
۸۶	گسترده‌گی توطئه
۸۹	عکس‌العمل مراجع و علما
۹۲	فشار افکار عمومی
۹۵	عکس‌العمل مجلس شورای ملی
۹۶	درخواست تحریم حج
۱۱۴	تلاش مصر برای حل و فصل مناقشه
۱۱۴	وزارت خارجه
۱۱۵	تلگراف عبدالعزیز به شاه
۱۱۶	پاسخ شاه
۱۱۶	پاسخ عبدالعزیز
۱۱۷	حضرت صاحب‌الجلاله شاه ایران
۱۱۸	وزارت امور خارجه
۱۱۹	وزارت امور خارجه
۱۲۲	قطع روابط با سعودی
۱۲۴	نامه ملک عبدالعزیز به شاه
۱۵۰	درباره مرکز

ابوطالب یزدی : شهید مروه

مشخصات کتاب

سرشناسه : قاضی عسکر، علی ۱۳۲۵-

عنوان و نام پدیدآور : ابوطالب یزدی : شهید مروه علی قاضی عسکر.

مشخصات نشر : تهران : مشعر، ۱۳۸۴.

مشخصات ظاهری : ۱۴۳ ص ؛ ۱۱×۱۹/۵سم

شابک : ۶۰۰۰ ریال ۹۶۴۷۶۳۵۷۵۳

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

موضوع : یزدی ابوطالب ۱۳۰۰ - ۱۳۲۲.

موضوع : حج

موضوع : شرفای مکه

موضوع : ایران -- روابط خارجی -- عربستان سعودی

موضوع : عربستان سعودی -- روابط خارجی -- ایران

رده بندی کنگره : DSR۱۵۰۲/۳ : ۲ق۴

رده بندی دیویی : ۳۲۷/۵۵۰۲۷

شماره کتابشناسی ملی : م ۸۴-۷۵۷۹

ص : ۱

اشاره

ص: ۷

ص: ۸

مقدمه

ص: ۹

آزار و اذیت پیروان و شیعیان امیر مؤمنان علی علیه السلام از روزگار آن حضرت آغاز و تا به امروز ادامه یافته است. از همان زمان که علی بن ابی طالب علیه السلام به عنوان رهبر و پیشوای جامعه اسلامی به مردم معرفی گردید، ناخالصی‌های برخی از صحابه و دشمنی‌های امویان آشکار شد و رفته رفته رو به فزونی نهاد و آنگاه که آن حضرت رسماً و به درخواست اکثر قریب به اتفاق مردم خلافت را پذیرفت، این ناخالصی‌ها تقریباً به اوج خود رسید. بخش عظیمی از این دشمنی‌ها بدان جهت بود که خلافت نزد علی بن ابی طالب علیه السلام وسیله‌ای برای احیای حق و عدل در جامعه و میراندن و از میان برداشتن باطل بود و آن حضرت هرگز نمی‌خواست به دلیل تداوم یافتن حکومت خود، عناصر ناصالح را در سمت‌های حساس نظام اسلامی حفظ کند و از ظلم و ستم آنان چشم‌پوشی نماید و این سیاست روشن و قاطع را از همان آغازین روزهای پذیرش خلافت، صریح و روشن

ص: ۱۰

در خطابه‌های خویش بیان کرد و با مردم در میان گذاشت.

از این رو جبهه‌گیری‌ها در برابر آن حضرت آغاز شد و قاسطین و مارقین و ناکثین، هر کدام با روش‌ها و تاکتیک‌های مخصوص به خود، مقابله با علی بن ابی‌طالب علیه السلام و راه و رسم آن حضرت را آغاز کردند. میثم تمارها به جرم بیان فضایل و مناقب امیرمؤمنان علی علیه السلام به چوبه دار بسته شدند و زبانشان را از قفا بیرون کشیدند و رشید هجری‌ها به دلیل پافشاری بر راه و رسم آن حضرت، شربت شهادت نوشیدند و این خط سرخ خون و شهادت تا به امروز ادامه یافته است.

در ایجاد این دشمنی، بنی‌امیه و سپس بنی‌عباس نقش اساسی ایفا کرده، با شهید و زندانی ساختن و قطع حقوق و امکانات و تحریم اقتصادی و تبلیغات گسترده بر ضد پیروان اهل بیت علیهم السلام تصمیم گرفتند، پیامبر صلی الله علیه و آله و دودمانش را از حافظه تاریخ حذف کنند.

با حمایت خلفای بنی‌امیه و بنی‌عباس و وارثان ستمگر آنان در طول تاریخ، خط ضدیت با طرفداران اهل بیت علیهم السلام دنبال شد و رفته رفته در قلمرو حکومت اسلامی و خصوصاً منطقه حجاز به صورت یک فرهنگ درآمد. هر انسان پژوهشگری که در این راستا به تحقیق بپردازد، با صحنه‌های دلخراش و جانسوز بسیاری روبرو می‌گردد و اقیانوسی از غم و اندوه به جان و روحش می‌ریزد که تحمل آن بسیار دشوار و سخت است.

این قلم به دنبال آن نیست تا به گذشته‌های دور باز گشته،

ص: ۱۱

جنايات غم‌بار و ظلم‌هایی که در حقّ پیروان علی بن ابی طالب علیه السلام روا داشته‌اند را به تصویر کشد؛ بلکه تنها به شهادت مظلومانه یکی از پیروان و شیعیان علی بن ابی طالب علیه السلام در حرم امن الهی اشاره خواهد داشت که ریشه در همان فرهنگ ضدّیت با تشیّع دارد.

در پایان لازم می‌دانم به این موضوع مهم اشاره نمایم که:

هم‌اکنون روابط دو کشور جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی، دوستانه و صمیمانه است و با خواست مقامات و مسئولان دو کشور، پیوسته به سمت پایداری و استحکام هر چه بیشتر پیش می‌رود، بنابراین بررسی مستند و علمی این رویداد مهم تاریخی، نه تنها خللی در این روابط ایجاد نمی‌کند بلکه زمینه را برای عبرت‌گیری از گذشته و بهره‌برداری از آن در آینده فراهم خواهد ساخت.

مؤلف

ص: ۱۳

حرکت به سوی مکه

حرکت به سوی مکه

جوان ۲۲ ساله‌ای به نام میرزا ابوطالب یزدی، فرزند حاج حسین مهرعلی، در سال ۱۳۲۲ ه. ش. با همسرش، به قصد تشرّف به حج، از راه خرمشهر به کویت رفته و از آنجا با شتر به سوی سرزمین حجاز و مکه حرکت می‌کند و پس از طی مسافتی طولانی و با پشت سر گذاشتن رنج‌ها و سختی‌های فراوان، وارد مکه می‌شود و پس از انجام عمره تمتّع، چند روزی را در مکه می‌ماند و سپس برای حجّ تمتّع محرم شده، پس از وقوف در عرفات و مشعر و منا روز دهم ذی‌الحجّه برای ادامه اعمال، به مکه باز می‌گردد. سپس در یکی از قهوه‌خانه‌های کوچک مکه، از غذایی (۱) که بعداً احتمال داده شد از گوشت فاسد تهیه شده باشد، استفاده کرده و پس از مدّت کوتاهی،

۱- گزارش آقای علی سپهری که در پایان، متن آن خواهد آمد حاکی از آن است که میرزا ابوطالب، کله‌پاچه گوسفند قربانی خود را پخته و پس از خوردن آن گرفتار ناراحتی شده است.

ص: ۱۴

برای انجام اعمال وارد مسجدالحرام شده، مشغول طواف می‌شود.

لیکن در اثر گرمی هوا و خستگی راه و نیز استفاده از غذای فاسد، حالت استفراغ به او دست داده و برای اینکه باقی کردن، زمین مسجدالحرام را آلوده نسازد، در دامن احرام خود استفراغ و بلافاصله اطراف آن را می‌گیرد و مراقبت می‌کند تا روی زمین نریزد. عده‌ای از حجّاج که برخی از آنها نیز مصری بودند وقتی این حاجی ایرانی را با آن حال مشاهده می‌کنند- با توجه به پیشینه ذهنی برخی سنی‌ها که شایع کرده بودند شیعیان حرم مکه و مدینه را عمدتاً ملوث می‌کنند- به وی حمله کرده، کتک سختی به او می‌زنند، در این هنگام به ناچار دامن احرام از دست او رها می‌شود و قی روی زمین حرم می‌ریزد و عده‌ای شروع به جار و جنجال می‌کنند.

با جنجال آفرینی این افراد، شرطه‌های حرم، این حاجی مظلوم را بلافاصله دستگیر کرده، به همراه برخی دیگر از طواف کنندگان در محکمه حاضر و علیه این حاجی ایرانی شهادت می‌دهند که او قصد داشت تا حرم و کعبه را آلوده کند، قاضی نیز بدون بررسی و تحقیق و استماع دلائل متّهم، حکم اعدام او را صادر می‌کند و سرانجام در محلّ صفا و مروه و در حضور حاجیانی که از سراسر جهان اسلام به حج آمده بودند، وی را گردن می‌زنند.

ص: ۱۵

گزارش روزنامه انگلیسی

روزنامه لنکستر دیلی پست چاپ انگلستان در تاریخ ۷ فوریه ۱۹۴۴ م با عنوان «ایران با ابن سعود قطع رابطه می کند» در این رابطه چنین نوشت:

وقتی که یک نفر پیش خدمت قهوه‌خانه کوچکی در مکه، خوراکی را که از گوشت فاسد تهیه شده بود به مشتری‌های خود داد خیال نمی کرد این کار موجب مشکلات مهمی بین دو مملکت [ایران و عربستان] خواهد گردید ولی حرص و آز او واقعاً چنان دشواری‌هایی را ایجاد کرد.»

سپس می‌افزاید:

«مکه شهری است که هر مسلمانی میل دارد آنجا را لاقلاً یک مرتبه در مدت عمر زیارت کند ولی جنگ، مانع از این شده است که حجاج از کشورهای دور، برای زیارت به آنجا بروند، لیکن در هر حال، مسلمانان متعصب هر طور که باشد از نقاط مختلف عربستان، عراق و ایران به آنجا رفته و قهوه‌خانه‌های مکه هم رونقی پیدا می‌کنند، تقریباً دو هفته قبل جمعی از حجاج ایرانی به مکه رسیده و در یکی از کاروان‌سراها فرود آمده و قبل از انجام مراسم حج و زیارت کعبه، چون به واسطه مسافرت طولانی در صحرا خسته و گرسنه شده بودند، خواستند غذای

ص: ۱۶

مطلوبی تناول کنند، پیش خدمت طمّاع، خوراکی از گوشت بز که شاید فاسد هم شده بود، به آنها داد و در نتیجه، همان موقع که ایرانی‌ها مشغول انجام مناسک حج بودند، در کعبه [مسجدالحرام] حاضر شدند و به واسطه این که غذای مسموم تناول کرده بودند، مریض شدند. ناگهان هزاران حاجی که آنجا حضور داشتند از ملاحظه این واقعه بنای داد و قال را گذاشتند و فوراً شرطه‌ها حاضر گردیدند. این پاسبانان از میان سبّیح‌ترین عشیره بدویان مکه که جزو کشور ابن سعود معروف، قائد و هابیان می‌باشند، استخدام گردیده و آنها می‌خواستند بیگانگانی را که به مقدّسات مذهبی توهین وارد آورده‌اند، فوراً به قتل برسانند و هیچ عذر و بهانه‌ای نمی‌پذیرفتند؛ زیرا استفراغ در خانه کعبه [مسجدالحرام] توهینی نسبت به پیغمبر است که هیچ سابقه نداشته و فقط مرگ، گناه مرتکب را جبران خواهد کرد!

عاقبت تصمیم گرفتند اسرا را به حضور قاضی که از طرف ابن سعود برای جرم‌های ارتكابی حجاج، در محوطه کعبه [مسجدالحرام] معین شده است ببرند.

قاضی در پرتو حکمت سلیمانی! خود رأی داد ... و این فتوا بدون تأخیر در حضور مردم و در میان لهله آنان اجرا شد ...»

گزارش سفارت ایران از مصر

در آن زمان به دلیل جنگ‌های داخلی در عربستان و نیز جنگ بین‌الملل، سفارت ایران در حجاز تعطیل و کشور مصر به عنوان حافظ منافع ایران تعیین شده بود. از این رو، دولت ایران نتوانست به موقع از این خبر مطلع گردد.

سفارت ایران در مصر، بلافاصله پس از بازگشت حاجیان توسط آقای سیدباقر کاظمی (۱) که خود در مراسم حج حضور داشته، از این حادثه جانگداز مطلع شد و گزارش مبسوطی در تاریخ ۳۰/۹/۱۳۲۲ به این شرح تهیه و به تهران مخابره کرد:

مطابق دستور تلگرافی وزارت امور خارجه، چون نظر به مشکلاتی که برای مسافرت حج پیش‌بینی می‌شد، دولت از دادن اجازه مسافرت به حج‌اج ایرانی خودداری نمود، اینجانب به حجاز مسافرت ننموده، کسی را هم از طرف سفارت برای رسیدگی به وضعیت حج‌اج اعزام نداشته و برای عده‌ای از حج‌اج ایرانی که تصور می‌رفت به آنجا بروند از دولت مصر تقاضا شد، حفظ منافع اتباع ایرانی را در موسم حج سال جاری در حجاز قبول نمایند، تلگرافاً و کتباً نیز گزارش این امر به آگاهی اولیای امور رسیده است.

-
- ۱- آقای سیدباقر کاظمی در سه دوره وزیر خارجه بوده است: ۱- شهریور ۱۳۱۲ تا اسفند ۱۳۱۴، ۲- از بهمن ۱۳۲۶ تا اسفند ۱۳۲۶، ۳- از اردیبهشت ۱۳۳۰ تا تیرماه ۱۳۳۱.

ص: ۱۸

سال گذشته با وجود منع مسافرت حجّاج، به طوری که در گزارش سفارت مصر در جدّه نیز به عرض رسیده، در حدود یک هزار و ششصد نفر حاجی ایرانی به حجاز رفته بودند، امسال نیز مانند سال گذشته، عدّه زیادی از ایرانیان به طور قاچاق از راه کویت یا از ایرانیانی که برای زیارت عتبات آمده بودند، از راه نجف به حجاز مسافرت نمودند.

از قرار معلوم عدّه آنهایی که به قصد حجّ حرکت کرده بودند، در حدود شش هزار نفر بوده که در حدود دو هزار نفر از آنها در نتیجه نبودن وسائل مسافرت، ناچار از مراجعت شده و در حدود چهار هزار نفر آنها با هزار سختی و بدبختی، خود را به حجاز رسانیده‌اند و در حدود ۱۲۰ نفر یا عدّه بیشتری از آنها نیز مانند سال ۱۳۶۰ هجری به موقع به حجاز نرسیده و از درک حجّ محروم ماندند.

امسال علاوه بر این بدبختی‌ها که نصیب حجّاج شده اتّفاقات ناگوار بسیاری در آنجا رخ داده، که منتهی به قتل یک نفر از حجّاج ایرانی گردیده است و چون سفارت مصر که حافظ منافع اتباع ایرانی است، در این باب به این سفارت خبری نداده و حجّاج تا کنون نرسیده بودند، سفارت از این موضوع بی اطلاع بود تا اینکه جناب آقای سیدباقر کاظمی که از راه مصر به حجّ مشرف شده بودند، دیروز (سه شنبه ۲۹ آذرماه ۱۳۲۲) با اولین کشتی حجّاج مراجعت فرمودند. شرح این اتّفاقات را دادند که خلاصه اظهارات ایشان در

ص: ۱۹

زیر به آگهی اولیای امور می‌رسد:

در اوایل ایام حج که هنوز حجّاجی که به حجاز رسیده بودند، زیاد نبود، شنیده شد تلگرافی از عراق رسیده است دایر بر اینکه در حدود پنج هزار حاجی ایرانی در راه هستند. چون دولت شاهنشاهی اجازه مسافرت به حجّاج ایرانی نداده بود، تصوّر نمی‌رفت عده‌ای به این زیادی توانسته باشند به طور قاچاق از ایران خارج شده باشند، لذا در ابتدا گمان کردیم در شماره اشتباه شده، یا خبر به کلی بی‌اساس است ولی طولی نکشید که معلوم شد حدود شش هزار نفر ایرانی که عده زیادی از آنها به طور قاچاق از مرز ایران خارج شده‌اند و به کویت رفته‌اند و عده دیگری که به عنوان زیارت عتبات به عراق آمده بودند و از آنجا قصد حجّ نموده‌اند، به سمت حجاز حرکت کرده‌اند و دو هزار نفر از آنها در نتیجه نبودن وسیله مسافرت ناچار از بازگشت شده و در حدود چهار هزار نفر آنها به حجاز آمدند که از این عده در حدود ۱۲۰ نفر یا عده بیشتری به موقع نرسیده و به درک حجّ موفق نشدند.

نظر به اختلاف رؤیت هلال ذی‌حجه، امسال نیز مانند غالب سال‌ها راجع به عید اختلاف بود، در ایران، افغانستان و عراق و سوریه و حتی مصر روز چهارشنبه عید بود و تنها در حجاز روز سه‌شنبه را عید گرفتند، سایرین مطابق افق محلّ و شهادت شهود رؤیت هلال، مانند خود اهالی کشور عربی سعودی اوّل ماه را مطابق محلّ قبول کردند ولی ایرانیان و عده‌ای از شیعیان عراقی، چون

ص: ۲۰

هلال را ندیده بودند شهادت شهود سعودی را قبول نداشتند.

با اینجانب (جناب آقای کاظمی) و سیدباقر بلاط (رییس تشریفات دربار عراق) و عبدالهادی چلبی از اعیان شیعیان عراق صحبت نمودند اقدامی شود [تا] اجازه دهند دو موقف باشد؛ یعنی پس از وقوف عرفات که مطابق محلّ روز دوشنبه نهم ذی‌حجه بود روز سه‌شنبه را هم به حساب شیعیان نهم ذی‌حجه بود مجدداً در عرفات وقوف کنند.

به آنها اظهار نمودیم که این موضوع عملی نیست، سابقه هم دارد، در سالهایی که اختلاف در رؤیت هلال بود هیچ‌وقت دولت عربی اجازه تعدد موقف را نداده، بلکه این امر را موجب ایجاد اختلاف و شقاق بین مسلمین می‌داند و آن را شرعاً جایز ندانسته، بلکه تقاضا کنندگان این امر را مخالف وحدت مسلمین تشخیص داده سخت مجازات خواهند نمود و چون خود آنها نیز وقوف عرفات را رکن حج می‌دانند سعی دارند وقوف آنها صحیح باشد و به طوری که خود ملک ابن سعود اظهار می‌داشت، اشخاص تیزی را مأمور رؤیت هلال می‌کنند و در شهرهای مختلف نجد در روز معین عده زیادی مترصد رؤیت هلال هستند و تلگرافاتی از اطراف راجع به این موضوع می‌رسد و قاضی شرع در شهادت شهود دقت کافی به عمل می‌آورد؛ لذا با این سوابق، عدم قبول فتوای حاکم شرع را، مانند توهین خیلی شدیدی تلقی خواهند نمود و اصرار در این موضوع علاوه بر اینکه مفید فایده‌ای نیست، ممکن است برای

ص: ۲۱

حجاج شیعه خطراتی داشته باشد.

خوشبختانه حضرت [آیه‌الله العظمی] آقای سیدابوالحسن اصفهانی هم آقای سیدابراهیم شبر را از طرف خود به حجاج اعزام فرموده بودند که در این قبیل اختلافات، نظر حضرت آیه‌الله را به شیعیان ابلاغ نماید. ایشان را ملاقات نموده در این باب سخن به میان آوردم. اظهار نمود که حضرت آیه‌الله اصفهانی به ایشان دستور داده‌اند در این قبیل اختلافات اگر در نتیجه این اختلاف معلوم شود که تعدد موقف، ممکن است زیان یا خطری برای حجاج شیعه ایجاد نماید مطابق موقف محل عمل کنند و چون نظر حضرت آیه‌الله هم همین بود قرار شد آقای سیدابراهیم شبر امر ایشان را به حجاج ابلاغ کنند.

اینجانب و آقایان دیگر نیز هر یک به نوبه خود این موضوع را به حجاج حالی نمودیم و قرار شد امسال این موضوع را ابدلاً مطرح نکنند که اختلاف بین سنی و شیعه رخ ندهد و خطری متوجه حجاج ایرانی نگردد، ولی بعداً آگاهی یافتیم که عده‌ای از ایرانیان به زبان فارسی عریضه‌ای به ملک ابن سعود نوشته تقاضا کرده‌اند که به آنها اجازه دهند روز چهارشنبه را هم که به حساب ایران نهم ذی‌حجه و به حساب حجاج عیدقربان بود برای وقوف به عرفات بروند.

ملک از این تقاضا سخت متغیر شده و به رییس شهربانی دستور داده بود، نویسندگان عریضه را گرفته، حبس نموده، سخت مجازات کند و به قراری که رییس شهربانی می‌گفت این موضوع را

ص: ۲۲

به طور مناسبی حل کرده بود.

اینجانب چون در میهمانخانه بانک مصر منزل داشتم، با حجاج مصری مطابق محلّ به منا و عرفات رفته، مناسک حجّ را انجام دادم ولی معلوم شد که با تمام این مقدمات عده خیلی زیادی از حجاج ایرانی و شیعیان عراقی، روز چهارشنبه را نیز که می‌بایستی همه به منا مراجعت کرده باشند به عرفات رفته‌اند و رییس اداره شهربانی حجاز اظهار می‌داشت که بعد از ظهر روز مزبور، ملک با کمال تنفر و خشم، به وسیله تلفن به او آگاهی داده بود که اطلاع پیدا کرده است عده‌ای از حجاج ایرانی به عرفات رفته‌اند و دستور داده که فوراً به هر وسیله که شده آنها را بازگرداند و نامبرده با عده زیادی سرباز به آنجا رفته مشاهده نموده بود که مانند روز وقوف، عده خیلی زیادی در آنجا هستند، با زحمت زیاد آنها را راه انداخته بود ولی آنها بدان اکتفا ننموده به مشعرالحرام نیز رفتند، از آنجا هم با سختی فوق‌العاده آنها را به منا فرستاد و به قراری که خودش مدعی بود، به ملک گفته بود این عده مخالفت با اجماع ننموده‌اند و برای وقوف مجدد به عرفات نرفته‌اند بلکه نظر به نداشتن وسیله مجبوراً در عرفات مانده‌اند!

در هر صورت این حرکت خیلی در ملک ابن سعود و رجال متعصب کشور عربی سعودی اثر بدی باقی گذاشته بود و آن را به شکل توهین شدیدی تلقی نموده، کینه آنها را در دل گرفته به فکر انتقام بودند.

ص: ۲۳

بعد از مراجعت حجاج از منا و پایان مناسک حج شنیده شد، یک نفر از حجاج ایرانی را به عنوان اینکه حرم مطهر مکه معظمه را ملوث نموده گرفته و بین صفا و مروه در مقابل اداره شهربانی کت بسته حاضر و پس از قرائت حکمی او را با شمشیر سربریده‌اند، امیرالحج مصر نیز مرا دیده، راجع به این موضوع بازجویی نموده می‌پرسید، این شخص از کدام دسته از شیعیان است؟ رفع اشتباه ایشان را نموده، تأکید کردم که هیچ عاقلی نباید به سخن عده‌ای جاهل و متعصب گوش بدهد و این اتهامات باطل را باور کند؛ زیرا معقول نیست یک نفر مسلمان که روزی پنج دفعه به این خانه متوجه شده نماز می‌گزارد و هزارها فرسنگ راه طی کرده و جان خود را در این وقت سخت به خطر انداخته، برای ادای فریضه مذهبی که بر تمام مسلمانان واجب است به حج آمده چنین کاری نماید.

پس از انتشار خبر بلافاصله در بین سنی‌ها عموماً و مصری‌ها خصوصاً بر علیه ایرانیان هیجان شدیدی برپا و در چندین جا بین سنی‌ها و شیعه‌ها زد و خوردهایی رخ داد و ممکن بود کار بالا کشیده بلوایی برپا شود و خون صدها مردم بی‌گناه ریخته شود. سراغ وزیر مختار مصر را که حافظ منافع اتباع ایران است گرفتم، گفتند به جده رفته است، کنسول را خواستم ملاقات کنم ممکن نشد!! معلوم می‌شود در مکه بوده و رو نشان نمی‌داد یا حقیقتاً نبوده.

ص: ۲۴

بالآخره صبری ابوعلم پاشا وزیر دادگستری مصر را که در مهمانخانه بانک مصر منزل داشت و با او سابقه آشنایی پیدا کرده- شب قبل راجع به اتحاد اسلام و رفع اختلافات موجوده بین مذاهب مختلف مسلمین صحبت هایی می کردیم- را ملاقات کرده گفتم مگر نشنیده‌اید یک نفر مسلمان را به چه تهمتی کشته‌اند؟ و مگر نمی‌دانید که بین سنی‌ها و شیعه‌ها زد و خوردهایی رخ داده و ممکن است در نتیجه این تهمت باطل و بی‌اساس خون عده زیادی از مسلمین ریخته شود؟ چاره‌ای باید کرد! گفت من که سمتی ندارم چه می‌توانم بکنم؟

من هم یک نفر حاجی مثل شما و دیگران هستم و سمت رسمی ندارم ولی وظیفه مسلمانی من و شما این است که از این بلوا و خونریزی، هر یک به سهم خود جلوگیری کنیم. به علاوه بین مصر و ایران روابط برادری و دوستی موجود است و ایجاب می‌نماید ایرانیان و مصریان دست به دست هم داده از وقوف یک چنین بلوایی جلوگیری کنند، از این گذشته دولت مصر حافظ منافع اتباع ایران را قبول کرده وزیر مختار به جده رفته، کنسول هم معلوم نیست کجاست؟ شما که یک نفر وزیر مصری هستید باید اقدامی کنید!

به اتفاق وزیر دادگستری مصر به اداره شهربانی رفته، رییس شهربانی را ملاقات نمودیم، اظهار داشت وضعیت خیلی بد است. گفتم شخصی به ناحق کشته شده، به جای خود، فعلاً باید از اتفاقات سوء دیگری جلوگیری کرد، نخست باید به مطوفین شیعه دستور

ص: ۲۵

اکید بدهید که نگذارند حجّاج شیعه از خانه‌های خود بیرون آیند، تا برای حفظ حیات آنها اقدامی به عمل آید. دیگر اینکه عده زیادی پاسبان و افسر فهمیده، به حرم و سایر جاهایی که محلّ اجتماع حجّاج است بفرستید که از نزاع و اختلاف حجّاج جلوگیری کنند، از ملک هم باید اجازه گرفت که حجّاج ایرانی پیش از سایر حجّاج به مدینه مسافرت نمایند. رییس شهربانی مطابق تقاضای ما این اقدامات را پسندید.

اینجانب و عده‌ای دیگر از حجّاج عراقی نیز این موضوع را به آگاهی سایر حجّاج شیعه رسانیدیم، از قرار معلوم حاجی بدبختی که بی‌گناه و در نتیجه جهل و تعصب، مقتول شده از اهالی یزد بوده که با عیال خود به حج مشرف شده بوده است و در حال طواف در نتیجه گرمی هوا و کسالت، حالت استفراغ به او دست می‌دهد و برای اینکه قی او زمین را آلوده نکند، در دامن احرام خود استفراغ می‌کند، عده‌ای از حجّاج احمق و متعصّب که غالباً مصری بوده‌اند، او را در این حال مشاهده می‌نمایند و چون این امر بی‌اساس بین سنی‌ها شایع است که شیعیان، حرم مکه و مدینه را متعمّداً ملوّث می‌کنند؛ به او حمله نموده، کتک سختی به او می‌زنند و دامن احرام از دست بی‌چاره رها شده، قی روی زمین حرم می‌ریزد، همان عده و عده‌ای دیگر بر علیه او شهادت داده، به تهمت اینکه متعمّداً در حرم مکه تَغَوُّط نموده او را محکوم به قتل می‌کنند و به‌طوری که شرح آن در بالا گفته شد، او را به قتل می‌رسانند و چون با این

ص: ۲۶

وضعیت ماندن در مکه در این محیط بدین [شکل] مورد نداشت، از رییس شهربانی خواستم فوراً وسائل حرکت مرا به جده فراهم نماید.

فردای روز مزبور به جده آمده با اولین کشتی که از جده حرکت کرد، به مصر آمدم و مسافرتم از حجاز به طور تعرض صورت گرفت و با شیخ یوسف یاسین، منشی مخصوص ملک و فرماندار جده و سایر مأمورین دولت عربی سعودی خداحافظی نمودم. وزیر مختار مصر به کلی از این موضوع بی اطلاع بود و اقدامی در این باب ننموده بود، به طوری که ملاحظه می فرمایند روش دولت عربی سعودی راجع به این شخص، مخالف با تمام قوانین و مقررات انسانیّت بود، که یک نفر حاجی را به این نحو محاکمه مختصر محکوم و بدین طرز شنیع مقتول سازد.

در مرحله اول سفارت فوراً یادداشت اعتراض آمیزی به وزارت خارجه سعودی نوشت و چون امیر فیصل که وزیر خارجه سعودی است فعلاً در قاهره است شفاهاً هم اعتراضی به وی نمود و ضمناً به وسیله مصریها که حافظ منافع حجاج ایرانی بودند در این باب توضیح امر خواسته شد، البته نتیجه به عرض خواهد رسید.

به نظر سفارت این رفتار وحشیانه دولت سعودی از جنبه احساسات بشری هم - گذشته که حاجی بیچاره را که به منظور مقدسی با خانواده خود از فرسنگها مسافت به مکه آمده بود به این طور فجیع کشته اند - از لحاظ صدمه ای که بر حسیات (حیثیات)

ص: ۲۷

دولت شاهنشاهی ایران در مقابل سایر دول اسلامی وارد شده بی‌اندازه قابل توجه و لازم است از هر جهت موضوع مورد تعقیب قرار گیرد.

منتها تا موقعی که همه حجاج ایرانی از کشور سعودی خارج نشده‌اند اقدامات و اعتراضات سخت باید به تأخیر افتد، زیرا از دولت سعودی که چنین رفتاری را با حجاج ایرانی کرده هیچ‌گونه اقدامی برای آزار سایرین مستبعد نخواهد بود.

ضمناً این قسمت را هم باید معروض بدارد که علت اساسی وقوع این پیش‌آمدهای ناگوار این است که، با آن‌که دولت شاهنشاهی از دادن گذرنامه به حجاج خودداری دارند، مع‌هذا هر سال عده زیادی حجاج از راه‌های مختلف خود را به هر زحمتی که شده به مکه می‌رسانند و به این طریق عدم موافقت با اعزام نماینده از طرف دولت شاهنشاهی به مکه، این وضعیات را پیش می‌آورد.

در صورتی که مصریها علاوه بر این‌که سفارت در جده دارند و در موقع حج وزیر مختار و کنسول دائمی نیز در جده دارند هر ساله یکی از اشخاص برجسته خود را به سمت امیرالحج به مکه می‌فرستد که از هر جهتی حفاظت حجاج تأمین گردد. (۱) قربانی

سفارت شاهنشاهی ایران در قاهره

اطلاعیه دولت سعودی

به دنبال این حادثه دلخراش، دولت سعودی در توجیه این جنایت، اطلاعیه‌ای تحت عنوان «جنایت بزرگ» صادر کرده، آن را در روزنامه ام‌القری مورخ ۱۷ دسامبر ۱۹۴۳ (۱۳۲۲ / ۹ / ۲۵) منتشر ساخت. ترجمه متن این اطلاعیه چنین است:

«روز ۱۲ ذی‌حجه ۱۳۶۲ (ه. ق.) مأمورین شهربانی در بیت الله الحرام، شخصی را به نام ابوطالب فرزند حسین، ایرانی، از منتسبین به شیعه ایران را دستگیر نمودند در حالی که مشغول ارتکاب پست‌ترین و پلیدترین جنایات بود و مقداری از قاذورات را برداشته، به منظور آزار و اذیت به طواف کنندگان و توهین به این مکان مقدس در اطراف کعبه مشرفه می‌ریخت، پس از بازجویی در این باب و ثبوت صدور این جرم قبیح از او، حکم شرعی دایر به قتل او صادر و روز شنبه ۱۴ ذی‌حجه ۱۳۶۲ به قتل رسید.»

تکذیب اطلاعیه

سفارت ایران در قاهره فوراً یادداشت اعتراض آمیز و شدید‌الحنی به وزارت خارجه سعودی نوشته و به وسیله مصری‌ها که حافظ منافع ایران بودند، از آنان توضیح می‌خواهد و با توجه به اینکه امیر فیصل وزیر خارجه وقت سعودی از مصر دیدار می‌کرده، به صورت شفاهی نیز اعتراض خود را به وی منتقل می‌نمایند.

متن اعتراضیه سفارت ایران

ترجمه متن یادداشت اعتراض آمیز سفارت ایران در مصر، خطاب به وزارت امور خارجه عربستان سعودی که در تاریخ ۳۰ / ۹ / ۱۳۲۲ مخابره گردیده است به این شرح است:

سفارت شاهنشاهی ایران به وزارت خارجه عربستان سعودی در مکه مکرمه اشعار می‌دارد:

بنابر اطلاع این سفارت یکی از حجاج ایرانی از اهالی یزد که به اتفاق همسرش برای مراسم حج به حجاز آمده است، هنگامی که دور کعبه معظّمه طواف می‌کرده است، بر اثر خستگی و گرما و بیماری به‌طور ناگهانی دچار استفراغ می‌گردد و به جرم وهن به بیت‌الله الحرام، که خداوند آن را مکانی امن برای مردم قرار داده، مورد ضرب و شتم و سپس به اتهام آلوده کردن حرم مطهر بعد از محاکمه‌ای کوتاه و با شهادت افراد غیرمسئول، به اشدّ مجازات که گردن زدن وی در ملاء عام باشد، محکوم می‌گردد.

سفارت شاهنشاهی ایران شدیداً نسبت به این کار غیرقانونی و مخالف شرع و انسانیت که حق یکی از حجاج ایرانی و اتباع دولت مسلمان و دوست، که با هزاران آرزو خواستار انجام فریضه حج و زیارت کعبه را دارند به مورد اجرا گذاشته شده اعتراض کرده و در انتظار دریافت جزئیات خبر و پاسخ وزارت خارجه می‌باشد. این

ص: ۳۰

سفارت تمامی حقوق دولت ایران نسبت به این حادثه تأسف‌انگیز را محفوظ می‌دارد. (۱)

پیشنهاد نخست‌وزیر مصر

در تعقیب گزارش قبلی، محمود جم سفیر کبیر ایران در قاهره در تاریخ ۷/۱۲/۱۳۲۲ نامه‌ای به شماره ۷۷/ح/۲۰۱ به وزارت خارجه در تهران مخابره می‌کند متن نامه به این شرح است:

در تعقیب گزارش شماره ۷۷/ح/۲۰۰-۱۶/۱۱/۱۳۲۲ راجع به قتل ابوطالب یزدی در مکه معظمه، هنوز جوابی از طرف دولت عربی سعودی نرسیده است، امروز آقای صلاح الدین بیگ معاون وزارت امور خارجه مصر، از طرف آقای نحاس پاشا نخست وزیر، سفارت آمده اظهار داشت: آقای نخست وزیر از ادامه مذاکره قضیه ابوطالب یزدی متأسف و عقیده دارند که این موضوع هر چه زودتر حل بشود.

به نظر ایشان این طور رسیده، برای اینکه در آتیه حجاج ایرانی در زحمت نباشند، خوب است اعلامیه‌ای از طرف دولت ایران و مصر و عربی سعودی در این زمینه تهیه کرده در یک روز منتشر گردد.

پس از مرور مختصر، جواب دادم از احساسات جناب آقای نخست‌وزیر متشکرم، ولی خاتمه این عمل منوط به این است که اقدامی از طرف دولت سعودی در جلب رضایت خاطر دولت

ص: ۳۱

شاهنشاهی بشود، تا ما مطمئن باشیم که در آینده اتباع ایران که برای ادای فریضه مذهبی به مکه معظمه مشرف می‌شوند در امان بوده و امنیت خواهند داشت آن‌وقت می‌شود در سایر قسمت‌ها مذاکره نمود و از نظریات خیرخواهانه جناب نخست‌وزیر استفاده کرد.

جواب داد: مثلاً چه اقدامی از طرف دولت سعودی بشود خوب است؟

جواب دادم مثلاً دولت سعودی رسماً از واقعه‌ای که پیش آمده اظهار تأسف نموده و متعهد بشود که در آینده اتباع ایران در موقع حج امنیت کامل خواهند داشت و جبرانی هم نسبت به بازماندگان مقتول بنمایند و اضافه کردم این عقیده شخصی من است تا نظر دولت من چه باشد!

جواب داد قطع دارم با عقاید و اخلاق مخصوصی که سعودی‌ها دارند هرگز به چنین اقدامی راضی نخواهند شد! اظهار داشت وضعیت وزارت امور خارجه مصر هم در این امر مشکل است، باید در این باب هر دو طرف فکر کرده، فورمولی برای ختم قضیه پیدا نمایند. من هم جواب دادم پیشنهاد جناب آقای نخست‌وزیر را برای مطالعه به وزارت امور خارجه تهران خواهم فرستاد، خواهش کرد استدعا شود زودتر نظری از وزارت امور خارجه داده شود شاید این مشکل حل بشود.

اینک با ارسال صورت پیشنهاد جناب آقای نحاس پاشا که در حقیقت راجع به قتل، هیچ حرفی نزده و زمینه برای تکلیف حجاج

ص: ۳۲

در آینده است برای استحضار وزارت امور خارجه ارسال می‌گردد.
متمنی است از نظریه دولت این سفارت را زودتر مستحضر فرمایند. سفیر کبیر

پاسخ تند دولت سعودی به نامه اعتراضیه

وزارت خارجه سعودی مستقر در مکه مکرمه در تاریخ سوّم محرم الحرام ۱۳۶۳ ه. ق. در نامه‌ای بسیار تند و وقیحانه، به توجیه این عمل غیر شرعی و انسانی پرداخته، نه تنها از کرده خویش پشیمان نشده، بلکه اتهام واهی ملوث نمودن کعبه و مسجدالحرام را [صریحاً] به ایرانیان نسبت می‌دهد. متن این نامه چنین است:

«تشرّف وزارة الخارجیة العربیة السعودیة بإبلاغ المفوضیة الإمبراطوریة الإیرانیة أسفها الشدید لتلقیها مذکرة المفوضیة رقم ۷۵، ح ۱۶۲، تاریخ ۳۰/۹/۱۳۲۲ الموافق ۲۲/۱۲/۱۹۴۳، فإنّ المفوضیة الإیرانیة ربّبت شکل الجرم الذی ارتکبه أحد الحجّاج الإیرانیین حسب ما أرادت واعتبرت ذلك مخالفاً للشرع والإنسانیة والقانون ولو استفسرت المفوضیة الإیرانیة عن الأمر وعرفت حقیقته لم یکن منها هذا التسرّع فی إرسال هذه المذکرة.

إنّ الحكومة العربیة السعودیة لیس لها أيّ غایة أو غرض فی معاقبة أيّ إنسان من غیر حدوث جرم ین من، فکیف یتصوّر العقل أن تقدم علی إنفاذ حکم فی أحد الحجّاج بدون أن تكون هناك دلائل قاطعة بشأنه. إنّ مثل هذا لم یقع ولن یقع من حکومت عمل بشرع الله وتنشر لواء الأمن والعدل والسلام بین جمیع من یستظنون بظلم حکمها أو یفدون إلی بلادها المقدّسة. إنّ الحكومة العربیة السعودیة قد قامت فی هذا العام أكثر من أيّ

ص: ۳۴

عام آخر بمعاونه الحجاج الإيرانيين معاونه كانت فوق الطاقه وأضرت بتموين البلاد الداخلي وذلك لما أقدم الحجاج الإيرانيون على ركوب سيارات لم تكن صالحه لنقلهم من خارج المملكه ثم لما دخلوا إلى داخل المملكه وضاق الوقت عليهم وتعطلت سياراتهم في الصحراء فالحكومة العربيه السعوديه أوقفت سيارات تموينها في الداخل وحولت تلك السيارات لنقل الحجاج الإيرانيين وأنقذت حياتهم من الموت المحقق، فالحكومة التي تعمل مثل هذا العمل لا يمكن أن يوجه إليها تهمه إنفاذ حكم مخالف للشرع والإنسانيه لأن هذا يستحيل أن يقع في بلادها.

لقد كان بيت الله الحرام قبل وصول بعض الحجاج الإيرانيين إلى مكه طاهراً ومصوناً من كل ما يجب صيانته منه، إلى أن وصل بعض الحجاج الإيرانيين إلى مكه ودخلوا بيت الله الحرام فأخذ المسلمون في بيت الله الحرام مع خدم الحرم يشاهدون أقداراً قدره في أنحاء الحرم حول مقام إبراهيم وفي المطاف وكل حجاج المسلمين ينسبون ذلك إلى الإيرانيين وكانت الحكومة أصدرت أمراً بمراقبه الحرم مراقبه شديده فألقى القبض أثناء ذلك على الشخص المذكور في مذكره المفوضيه الإيرانيه متلبساً بالجريمه وهو يحمل القاذورات من بيوت الخلاء داخل إحرامه ويلقيها في المطاف حول بيت الله الحرام الذي يقده مئات الملايين من المسلمين. فبعد أن ثبت للحكومة هذه الجريمه بالدلائل الشرعيه وبإقرار من الشخص المذكور لم يكن لديها بد من إنفاذ أحكام القرآن الصريحه في مثله،

ص: ۳۵

فقد قال تعالى: ... وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِإِلْحَادٍ بِظُلْمٍ نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ (۱)

فعداب الدنيا قتله و عذاب الآخرة لمثله عند الله في جهنم بنص كتاب الله وأي جريمة أشنع وأنكر من رجل يخرج من بيته ويقطع الفيافي والقفار لينجس بيت الله الحرام بهذه الأقدار التي أمر الله بتطهير البيت منها ومن كل كفر وشرك، حيث قال تعالى:

وَطَهَّرْ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ (۲)

على أن الإيرانيين قد اتخذوا لهم في بيت الله الحرام في هذا العام خطة تخرج بهم عن جماعة المسلمين حتى اذا وحدوا في الحرم و اقيمت الصلاة امتنعوا عن الصلاة مع جماعة المسلمين وكان موقفهم في بيت الله الحرام مريباً للغاية مما أوجب سخط المسلمين عامة عليهم. ولولا التيقظ الشديد الذي قامت به الحكومة داخل الحرم وخارجه لصيانة الحجاج الإيرانيين لوقع عليهم من المسلمين إهانات عظيمة واعتداءات شديدة تخل بالآمن والطمأنينة بالنظر للهاج الذي وقع لدى كافة المسلمين من أعمالهم المنكرة في بيت الله الحرام. وهنا نلفت نظر الحكومة الإيرانية إلى ما قامت به حكومتنا دلالة على حسن نيتها وبعدها نظرها بأنها قد لفتت نظر الحكومة الإيرانية بواسطة مفوضيتها ببغداد، بتاريخ ۴ شعبان ۱۳۶۱، حيث أبلغتها لزوم الإهتمام بالسيارات التي سيقدم بها حجاجها وأن الحكومة العربية السعودية لا تعدد نفسها مسؤولة إذا وقعت أخطار

۱- حج: ۲۵.

۲- حج: ۲۶.

ص: ۳۶

لحجاجها بسبب ذلك، إذ لا يمكنها معونتهم ومع هذا فقد أهملت الحكومة الإيرانية ذلك وحصل ما ذكر أعلاه من إنقاذ رعاياها من الموت الزوام كما أنه لفت نظر الوزير الإيراني ببغداد على لزوم التنبيه الشديد على الحجاج الإيرانيين بأن لا يأتوا بما يخالف الشرع الشريف في بيت الله الحرام حتى لا يكونوا عرضة لسخط المسلمين ويحصل ما لا تحمد عقباه.

والمفوضيه الإيرانية ببغداد قد شكرت مفوض الحكومة العربية السعودية على هذه التبليغات ووعدت بالقيام بما يلزم ومع الأسف الشديد فإن الأمر وقع على خلاف ما وعدت به والحوادث التي جاءت قد أريدت ما كان متوقعا كما أن كل منصف يمكنه أن يحكم على أي جهة تقع المسؤولية والتقصير ومع هذا كله فإن الحكومة العربية السعودية عملت كل ما يمكنها لمساعدة الحجاج الإيرانيين وصيانتهم والمحافظة عليهم ولولا الله ثم ما اتخذته الحكومة من احتياطات لقتل كثير من الحجاج الإيرانيين بسبب سلوكهم الشائن في بيت الله الحرام.

وقد جعل الإسلام لولى الأمر النظر فى الجرائم المخالفه لكتاب الله لاتخاذ الجزاء الرادع، حيث قال: إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ... (١) وأى

ص: ۳۷

فساد أعظم من تدنيس بيت الله الحرام بهذه الخبائث المنكرة. ولذلك لا ترى الحكومة العربية السعودية محلاً لاحتجاج المفوضيَّة الإيرانية لأنه لم يطبق على المجرم إلّا حكم الله طبقاً لما جاء في كتاب الله...

ترجمه متن نامه

وزارت امور خارجه کشور عربی سعودی مفتخراً به آگهی سفارت شاهنشاهی ایران می‌رساند که با کمال تأسف یادداشت شماره ۷۵/ح/۱۶۲ مورخه ۳۰/۹/۱۳۲۲ مطابق ۲۲/۱۲/۱۹۴۳ سفارت را دریافت نمود.

سفارت ایران، صورت جرمی را که یکی از حجاج ایرانی مرتکب شده، به نحوی که خواسته تصویر نموده و آن را مخالف شرع و قانون و انسانیت تشخیص داده است و اگر سفارت ایران راجع به این امر بازجویی می‌نمود و به حقیقت آن پی می‌برد در ارسال این یادداشت تسریع نمی‌نمود!

دولت عربی سعودی که هیچ شخصی را بدون جرم واضحی از او مجازات نمی‌کند، چگونه مورد قبول عقل خواهد بود که بدون وجود دلایل قطعی، نسبت به یکی از حجاج حکمی را اجرا کند؟ از دولتی که مطابق شرع الهی رفتار می‌کند و امنیت و عدل و آرامش را بر تمام اتباع دولت و مسافرینی که به این کشور مقدس می‌آیند

ص: ۳۸

گسترده، چنین امری واقع نشده است و نخواهد شد.

دولت عربی سعودی امسال بیش از هر سال به حجاج ایرانی کمک نمود، این کمک که مافوق طاقت ما بود، در نتیجه آمدن حجاج ایرانی با چنین اتومبیل‌هایی که برای حمل و نقل آنها از خارج به این کشور مناسب نبود، سبب شد که به توزیع خواربار داخلی کشور صدمه وارد آید، چه پس از ورود آنها به این کشور و خرابی اتومبیل‌ها در صحرا و تنگی وقت دولت عربی سعودی، اتومبیل‌های حمل و نقل مواد خواربار داخلی خود را، به حمل و نقل حجاج ایرانی اختصاص داد و آنها را از مرگ حتمی نجات داد. دولتی که چنین عملی بنماید ممکن نیست تهمت صدور حکمی مخالف با شرع و انسانیت به او نسبت داده شود! چه وقوع چنین امری در این کشور امکان ندارد!!

بیت‌الله الحرام پیش از ورود حجاج ایرانی به مکه طاهر بود، از هر امری که صیانت از آن ضرورت داشت، ولی پس از ورود بعضی از حجاج ایرانی به مکه و ورود آنان به بیت‌الله الحرام، مسلمانان و مستخدمین حرم ملاحظه نمودند که در اطراف حرم و در پیرامون مقام ابراهیم و در محل طواف حجاج قاذوراتی دیده می‌شود و تمام حجاج مسلمان این عمل را به ایرانیان نسبت می‌دهند! دولت دستور داد که حرم را تحت مراقبت دقیق قرار دهند، این بود که شخص مذکور در یادداشت سفارت ایران را، در حال اقدام به جنایت دستگیر نمودند، در حالی که قاذورات مستراح‌ها را در دامن احرام خود برداشته و در محل طواف دور خانه خدا

ص: ۳۹

می‌ریخت، که صدها میلیون مسلمان آن را مقدس می‌شمارند!!

پس از این که وقوع این جنایت با دلایل شرعی و اقرار شخص نامبرده ثابت گردید، چاره‌ای جز اجرای احکام صریح قرآن در این مورد که می‌فرماید وَ مَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ (۱) نبود.

عذاب دنیا قتل است و عذاب آخرت مطابق نص کتاب خدا عذاب جهنم است، چه جرم و جنایتی از این شنیع‌تر و منکرتر که شخصی از خانه خود بیرون آمده، دشت و بیابان را بپیماید، به‌منظور این که خانه خدا را به نجاست آلوده و ملوث کند!! و حال آن که به تطهیر این خانه از نجاست و کفر و شرک امر فرموده، چه می‌فرماید:

وَ طَهَّرْ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ. (۲)

از این گذشته ایرانیان امسال در خانه خدا رویه‌ای اتخاذ نموده بودند که آنان را از جماعت مسلمین خارج می‌نماید، چه در موقع نماز جماعت اگر عده‌ای از آنها در داخل حرم بودند، از ادای نماز با جماعت مسلمین خودداری می‌کردند و رفتار آنها در خانه خدا بی‌نهایت موجب سوء ظن بود و اسباب بدبینی تمام مسلمین نسبت به آنها شد و اگر بیداری فوق‌العاده دولت عربی سعودی نبود و اگر

۱- سوره حج آیه ۲۵، یعنی: «کسی که در خانه خدا اراده و نیت الحاد و ظلم نماید، او را به عذاب الیم گرفتار خواهیم کرد»

۲- سوره حج آیه ۲۶، یعنی: «خانه مرا برای طواف کنندگان و نماز گزاران و کسانی که به رکوع و سجود می‌پردازند تطهیر کن»

ص: ۴۰

اقدامات دقیقی برای حفظ حیات حجاج ایرانی در داخل و خارج حرم به عمل نمی‌آمد، نظر به هیجان عامه مسلمین نسبت به اعمال منکر و ناروای آن‌ها در خانه خدا، اهانت‌های عظیم و تعدّی‌های شدید نسبت به آن‌ها می‌شد، به حدی که به امنیت و آرامش کشور خلل وارد می‌آمد!!

در این جا لازم می‌داند نظر دولت ایران را به این نکته متوجه سازد که دولت، برای اثبات حسن نیت و دوران‌دیشی خود به وسیله سفارت ایران در بغداد، به تاریخ چهارم شعبان ۱۳۶۱ [ق] نظر دولت ایران را متوجه این امر نمود و لزوم توجه و اهتمام به اتومبیل‌های حجاج را گوشزد نموده، گفت که اگر خطرهایی برای حجاج پیش بیاید، دولت عربی سعودی خود را مسؤول نمی‌داند، زیرا که کمک به آن‌ها از حیث اقتدار آن خارج است، ولی با تمام این‌ها دولت ایران به این موضوع اهمیتی نداد و در نتیجه دولت عربی سعودی اتباع ایران را از مرگ نجات داد.

همچنین نظر وزیر مختار ایران در بغداد را به این نکته متوجه ساختیم که به حجاج ایرانی اکیداً قدغن نمایند که برخلاف اوامر شرع شریف، در خانه خدا کاری نکنند که در معرض تعرض و انزجار مسلمین واقع شوند و اتفاق ناگواری برای آن‌ها رخ دهد. در آن موقع سفارت ایران در بغداد از سفارت عربی سعودی از این تذکر سپاس‌گزاری نموده، وعده داد که اقدامات لازمه در این

ص: ۴۱

باب خواهد نمود، ولی متأسفانه برخلاف آنچه سفارت وعده داده بود واقع شد و اتفاقات پیش‌بینی ما را تأیید کرد و هر شخص منصفی می‌تواند حکم کند که مسؤلیت و تقصیر از کدام‌یک از طرفین بوده است.

با وجود این، دولت عربی سعودی از بذل آنچه برای مساعدت به حجاج ایرانی و حمایت و حفاظت آنها لازم بود فروگذار نمود و اگر تفضل خداوندی و اقدامات احتیاطکارانه دولت عربی سعودی نبود، عده زیادی از حجاج ایرانی در نتیجه رفتار خجالت‌آوری که در خانه خدا می‌کنند به قتل می‌رسیدند.

دین اسلام به ولی امر حق داده که در جرم‌های مخالف کتاب خدا، کیفر مناسبی را اجرا نماید که موجب امتناع دیگران از ارتکاب چنین جرمی گردد، چه در قرآن می‌فرماید:

إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ. (۱)

چه فسادی از این بزرگ‌تر که خانه خدا را ملوث کنند؟

۱- مائده، ۳۳- ترجمه: یعنی: «کیفر کسانی که با خدا و پیغمبر جنگ می‌کنند و در زمین موجب فساد می‌گردند آن است که آنان را بکشند یا به دار آویزند یا دست و پای آنان را ببرند و یا آنان را تبعید نمایند»

ص: ۴۲

لذا دولت عربی سعودی موردی برای اعتراض سفارت ایران نمی‌بیند، زیرا که نسبت به مجرم جز به فرمان خدا و مطابق کتاب او حکمی اجرا نگردیده است. (۱) جوابیه سفارت ایران

سفارت شاهنشاهی ایران در پاسخ به نامه تند و غیر منطقی و خلاف واقع وزارت خارجه دولت سعودی، جوابیه وزارت خارجه ایران را دریافت و برای وزارت خارجه سعودی ارسال می‌دارد، متن نامه به شرح ذیل است:

سفارت کبرای شاهنشاهی

سفارت شاهنشاهی ایران در پاسخ یادداشت شماره ۴/۱/۲۰ وزارت امور خارجه عربی سعودی مورخه ۳ محرم الحرام سال ۱۳۶۳ هجری مطابق ۲۹ دسامبر سال ۱۹۴۳ میلادی، احتراماً به آگاهی آن وزارتخانه می‌رساند:

«دولت ایران صدور عمل منتسب به طالب نام ایرانی را به دلایل زیر جرم و قابل مؤاخذه نمی‌داند، چه علاوه بر اینکه حجاج ایرانی و عراقی شهادت داده‌اند که در اثر کسالت و گرمی هوا هنگام طواف کعبه، حالت تهوع به نامبرده دست داده و برای اینکه محل طواف آلوده نشود در دامن خود استفراغ نموده و می‌خواستند است»

۱- شماره سند ۱۷۰ و تاریخ ارسال آن ۳ محرم الحرام ۱۳۶۳ ه. ق. است

ص: ۴۳

آن را به خارج ببرد. اصولاً این ادعا، ادعای باطلی است و هیچ ذی‌شعوری نمی‌تواند باور کند که کسی که به شوق ادای فریضه دینی با تحمّل خسارت و رنج چنین سفری به بیت‌الله مشرف می‌شود قصد او ملوث نمودن خانه کعبه باشد! بسیار موجب تأسف است که یک دولت اسلامی اینقدر از رسوم بین‌المللی و قواعد دینی بی‌خبر باشد و صرفاً به استناد اظهارات نا حقّ عده‌ای از جهّال متعصب که در فروع دینی با مسلمین شیعه اختلاف نظر دارند، بدون دقت لازم و تحقیق در مقام اعدام بی‌گناهی برآیند که بر طبق کلام الهی: وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا، (۱)

در خانه خدا که پناهگاه و جای ایمن مردم است، بایستی از هر گونه تعرض و تجاوز مصون باشد.

به خصوص که شخص مقتول به زبان محل آشنا نبوده و نماینده دولتی هم که امسال حافظ منافع اتباع ایران بوده، از جریان محاکمه مختصر که معلوم نیست روی چه موازین قانونی قرار گرفته و محکومیت او به کلی بی‌اطلاع مانده است!!

جای هیچگونه تردید نیست عملی که از طالب نام ایرانی دیده شده، فقط در اثر کسالت و کاملاً اضطراری بوده و با این حال معلوم نیست چگونه دولت سعودی که در یادداشت خود کراً به آیات قرآنی استناد می‌جوید، در این مورد بر خلاف کلام الهی: وَلَا عَلَيَّ

۱- آل عمران: ۹۷.

ص: ۴۴

الْمَرِيضِ حَرْجٍ (۱)

و نَصَّ نَبِيُّ: «رُفِعَ عَنِّ أُمَّتِي تِسْعَةٌ... وَمَا يَضْطَرُّونَ إِلَيْهِ» (۲)

رفتار نموده و تبعه یک دولت اسلامی دوست خود را در موقعی که میهمان و در پناه او بوده‌است، دست بسته گردن زده و به حال همسر بیچاره او ابداً رحم و شفقتی ننموده است.

عجب‌تر آنکه وزارت امور خارجه سعودی برای پرده‌پوشی این امر فجیع، استدلال به آیاتی از قرآن کریم نموده و آیه شریفه:

... وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ (۳)

و ... إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ... (۴)

را مدرک و مجوز این عمل قرار داده در حالی که در هیچیک از تفاسیر معتبره، اشعاری به آن نیست که عمل ناشی از شخص مقتول، منطبق با مدلول این دو آیه باشد.

مطلب دیگر یادداشت دولت سعودی که موجب تعجب گردیده و سوء نیت مأمورین وابسته را مسلم می‌دارد، این اظهار آنها است که قبل از ورود بعضی از حجاج ایرانی، بیت الله تمیز و مصون از هر امر ناشایسته‌ای بوده و پس از ورود عده‌ای از حجاج ایرانی به مکه، مسلمین در خانه خدا، مستخدمین حرم قاذوراتی در اطراف حرم مشاهده نمودند!

۱- فتح: ۱۷.

۲- وسایل ج ۱۵ / ۳۶۹.

۳- حج: ۲۵.

۴- مائده: ۳۳.

ص: ۴۵

نظر به تجلیل و تقدیسی که هر انسانی نسبت به این قبیله اماکن مقدسه دارد، صدور چنین جنایتی حتی از غیر مسلمین نیز عقلاً مستبعد است، چه رسد که این تهمت منسوب به یک ملت اسلامی است که در خدمت به دین حنیف اسلام، سابقه درخشان و مقام شامخی دارد و از متمسک‌ترین ملل اسلامی به کتاب خدا می‌باشد که در آن می‌فرماید: وَ طَهَّرْ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ (۱)

و به افراد آن ملت نسبت داده شده است که روزی پنج بار مانند سایر مسلمین رو به کعبه مطهره نماز بگذارند.

انتشار خبر اذیت و آزار حجاج ایرانی و کشتن یک نفر بی‌گناه، در ملت ایران انزجار و تنفر شدیدی تولید نموده و افکار عمومی را شدیداً به هیجان در آورده و تأثیر بسیار ناگواری بخشیده است.

سفارت شاهنشاهی ایران، اتهامات مذکوره در یادداشت دولت عربی سعودی را جداً تکذیب می‌نماید و نسبت به قتل طالب نام ایرانی و تجاوزات مأمورین دولت سعودی و اهانتی که به ایرانیان شده، بر اعتراض شدید خود باقی است و یادداشت دولت سعودی را به هیچ‌وجه قابل قبول نمی‌داند و تا وقتی که جان و حیثیت ایرانیان در خاک دولت عربی سعودی محفوظ نباشد و استرضای خاطر دولت ایران و جبران این رفتار که در مناسبات بین‌الملل اسمی برای آن نمی‌توان پیدا کرد به عمل نیاید، دولت ایران خود را مجبور

ص: ۴۶

خواهد دید در ادامه مناسبات با دولت عربی سعودی تجدید نظر نماید. (۱) وزیر امور خارجه

۱- شماره سند: ۷۷، ح، ۱۸۶ و تاریخ آن ۱۲ / ۱۱ / ۱۳۲۲ است.

ص: ۴۷

توجیه افکار عمومی

در همین رابطه سفارت ایران در مصر، متن دیگری نیز به شرح ذیل تهیه و آن را برای جراید و خبرگزاری‌ها ارسال می‌کند: ترجمه ابلاغیه‌ای که از طرف سفارت به جراید و خبرگزاری‌ها فرستاده شده است: «دولت ایران تهمت منسوب به طالب نام ایرانی را رد نموده و عمل صادره از او (یعنی استفراغ نمودن در اثر کسالت) را جرم و قابل مؤاخذه نمی‌داند. چه، علاوه بر اینکه عدّه زیادی از حجّاج

ص: ۴۸

ایرانی و عراقی و دیگران شهادت دادند که در نتیجه مرض و گرمی هوا حالت استفراغ به نامبرده دست داده و برای جلوگیری از آلوده شدن محل طواف، در احرام خود استفراغ نموده بود، هیچ ذی شعوری نمی‌تواند باور کند، کسی که برای ادای فریضه و زیارت خانه خدا تحمل این همه خسارت و رنج را نموده، قصدش ملوث نمودن کعبه مطهره باشد!

بسیار موجب تأسف است که دولت سعودی صرفاً به استناد اظهارات ناقص عده‌ای از جهال متعصب، بدون دقت لازم در مقام اعدام بی‌گناهی از اتباع یک دولت مسلمان دوست خود، که میهمان و در پناه خدا بوده برآید، به خصوص که شخص مقتول به زبان محل آشنا نبوده و نماینده دولت مصر هم که حافظ منافع اتباع ایران بوده بکلی از جریان محاکمه بی‌اطلاع مانده بود.

مطلب دیگری که موجب تعجب شده و سوء نیت مأمورین وابسته دولت سعودی را مسلم می‌دارد، اظهار آنهاست که بعد از ورود بعضی از حجاج ایرانی قاذوراتی در حرم مکه مشاهده شد!

نظر به تجلیل و حس احترامی که تمام افراد بشر نسبت به این اماکن مقدسه دارند، نسبت چنین جنایتی حتی به غیر مسلمین نیز عقلاً قابل قبول نیست، چه رسد که این تهمت منسوب به یک ملت اسلامی است که در خدمت به دین اسلام سابقه درخشان و مقام شامخی دارد و افراد آن بیش از هر ملت اسلامی، به کتاب خدا متمسک بوده و مجری احکام آن می‌باشند.

ص: ۴۹

انتشار خبر آزار ایرانیان و کشتن یکی از آنها بدون گناه و اهانت‌های وارده به آنها، در ملت ایران انزجار شدیدی تولید و افکار عمومی را به شدت به هیجان آورده است.

دولت ایران با تکذیب قطعی تهمت‌های وارده در یادداشت دولت عربی سعودی، بر اعتراض شدید خود باقی است و یادداشت دولت عربی سعودی را به هیچ‌وجه قابل قبول نمی‌داند. و تا وقتی که جان و حیثیت ایرانیان در خاک دولت سعودی محفوظ نباشد و استرضای خاطر دولت ایران به عمل نیاید، دولت ایران مجبور است در ادامه مناسبات خود با دولت عربی سعودی تجدید نظر نماید. به علاوه، سفارت ایران در قاهره راجع به اظهاراتی که مقامات سعودی در شماره روزنامه پروکره اژیپسین، مورخه ۵/۲/۱۹۴۴ نموده بودند، توضیحاً اضافه می‌کند:

۱- جریان محاکمه مختصر که به اقرار خود سعودی‌ها بیش از دو روز طول نکشیده، معلوم نیست روی چه موازین قانونی صورت گرفته است؟ زیرا که متهم به زبان محل آشنا نبوده و حتی نماینده دولت مصر هم که حافظ منافع اتباع ایران بوده، از آن بی‌اطلاع مانده بود!! چه، به طوری که همه می‌دانند محاکمات جزایی در کشورهای متمدن دنیا علنی است و تا جریانات معینی را نییاید، یک چنین حکم سختی نسبت به هیچ متهمی اجرا نمی‌شود.

۲- اینکه اظهار شده است اگر فوری حکم اجرا نمی‌شد، منجر به انقلاب و خون‌ریزی زیاد می‌شد! قضیه کاملاً به عکس

ص: ۵۰

است؛ زیرا که انقلابی که در شرف وقوع بوده، در نتیجه عصبانیت شدید حجاج ایرانی و سایر حجاج شیعه نسبت به عمل بی‌رویه عمّال دولت عربی سعودی بوده، به علاوه قتل یک نفر بی‌گناه به عنوان اینکه از خونریزی بیشتری جلوگیری می‌نماید، مجوز قانونی ندارد. به‌خصوص که وسیله دفاع به نامبرده داده نشده است و این رفتار به‌طور روشن نشان می‌دهد که احساسات تعصب‌آمیز جاهلانه تا چه درجه برافکار عمّال حکومت سعودی، که این حکم را اجرا نموده‌اند، حکمفرما است.

پاسخ دولت سعودی

وزارت خارجه عربی سعودی در تاریخ ۱۵ ربیع الأول ۱۳۶۳ ه. ق. مطابق با ۹ مارس ۱۹۴۴ م در پاسخ به نامه سفارت ایران در مصر، نامه‌ای به شرح ذیل ارسال می‌کند:

«وزارت خارجه عربی سعودی وصول یادداشت شماره ۷۷/ح/۱۸۶ مورخ ۱۲ بهمن ماه ۱۳۲۲ هجری شمسی، مطابق با ۲/۳/۱۹۴۴ م راجع به عبده طالب (ابوطالب) حسن (۱) ایرانی را مفتخراً به آگهی سفارت شاهنشاهی ایران رسانیده، علاقمند است علاوه بر توضیحاتی که در یادداشت سابق داده، حقایق مذکور در زیر را نیز از نظر سفارت شاهنشاهی بگذراند:

۱- در سند اصلی حسن آمده که صحیح آن حسین است.

ص: ۵۱

- ۱- وزارت خارجه عربی سعودی، حقیقت جرم صادره از مجرم نامبرده را قبلاً توضیح داده است و این امر به شهادت شهود و اقرار خود مجرم به طور قطع و یقین ثابت گردیده است!
- ۲- این اتفاق اسفانگیز، پیش آمد سری و محرمانه‌ای نبوده است و عدّه زیادی از حجاج، از آن آگهی یافتند و نزدیک بود بین حجاج ایرانی و سایر حجاج فتنه‌هایی برپا شود ولی اقدامات دولت عربی سعودی و بیداری آن در حفظ حیات حجاج، از وقوع این فتنه‌ها جلوگیری نمود.
- ۳- دولت شاهنشاهی ایران با در نظر گرفتن روابط دوستانه موجود بین دو کشور، مخصوصاً زحمات امسال دولت عربی سعودی، برای نجات حجاج ایرانی از مرگ حتمی و قطعی، در صحراها و بیابان‌ها و همچنین در نظر گرفتن معاملات سوء حکومت‌های سابق با حجاج ایرانی و مقایسه آن با رفتار حکومت فعلی نسبت به آنها و توجه به اینکه اجرای حکم نسبت به مجرم صورت نگرفته، مگر پس از ثبوت قطعی جرم نسبت به او و این که مجازات مزبور مطابق حکم شرع و مقررات کشور و قوانین شرعیه آن بوده است، خواهد دانست که از طرف دولت عربی سعودی اقدامی به عمل نیامده است که منظور از آن خدشه رساندن به روابط دوستانه دو کشور، یا لطمه وارد آوردن به حیثیت ملت ایران باشد، حکم صادره مطابق شرع و مقررات کشور و روی اصول معامله متقابل بوده است و اگر یک نفر سعودی در ایران برخلاف قوانین و

ص: ۵۲

مقررات کشور اقدامی نمود و مطابق احکام قوانین محلی محکوم گردید، دولت عربی سعودی حقّ اعتراض را بدان نخواهد داشت. (۱) پایین نامه، دارای مهر وزارت خارجه عربی سعودی است.

تهدید به قطع رابطه

سفارت ایران پیرو یادداشت شماره ۷۷/ح/۱۸۶ خود مورّخ ۱۶/۱۱/۱۳۲۲ ه. ش. مطابق ۲/۲/۱۹۴۴ م راجع به قتل ابوطالب نام، از حجّاج ایرانی در مکه مکّرمه، بنا به دستور واسله از وزارت خارجه وقت، طی نامه‌ای خطاب به وزارت خارجه سعودی رسماً اعلام می‌دارد:

چنانچه تا تاریخ ۶ فروردین سال ۱۳۲۳ ه. ش. مطابق ۲۶ مارس ۱۹۴۴ میلادی از طرف دولت عربی سعودی، توضیح لازم و تأکید کافی راجع به تأمین حیات حجّاج ایرانی در خاک عربی سعودی و عدم تکرار نظیر این قضیه به دولت شاهنشاهی نرسد، دولت شاهنشاهی راجع به این امر اتخاذ تصمیم مقتضی، مبادرت خواهد نمود.

پاسخ سرد سعودی‌ها

وزارت خارجه سعودی در پاسخ به این نامه چنین نوشت:
سفارت عربی سعودی با تقدیم دروذهای شایان، به سفارت

۱- تاریخ ارسال نامه ۱۵ ربیع‌الاول ۱۳۶۳ و شماره آن ۲۰، ۱، ۶۹ است.

ص: ۵۳

کبرای شاهنشاهی ایران، مفتخرأً به آگاهی آن سفارت کبری می‌رساند که وزارت خارجه عربی سعودی، راجع به ابوطالب فرزند حسین پاسخ خود را داده است و به جز توضیحاتی که قبلاً طی یادداشت خود مورخ ۱۵ ربیع‌الأول ۱۳۶۳ شماره ۶۹ / ۱ / ۲۰ داده است، راجع به این موضوع اظهار تازه‌ای ندارد!

سفارت عربی سعودی این فرصت را مغتنم شمرده درودهای شایان و احترامات فائقه خود را تقدیم سفارت کبرای شاهنشاهی ایران می‌نماید.

محل مهر سفارت عربی سعودی

نامه آقای سید باقر کاظمی

لازم به تذکر است آقای سیدباقر کاظمی در تاریخ ۱۶ / ۱۱ / ۱۳۲۲ ه. ش. به شماره ۴۷۲۹ تلگرافی به وزارت خارجه زده و در آن چنین نوشته بود:

مشاهدات خود را در حجاز به اطلاع سفارت کبرای قاهره رسانیدم و گزارش ۳۰ آذر شماره ۱۶۴ تقدیم شد، چون این حرکت وحشیانه موجب تحقیر شدید ایرانیان و شیعه‌ها و غلیان تعصبات جاهلانه بر ضد آنها گردیده، به عقیده بنده واجب است دولت ایران اقدامات ذیل را به عمل آورد:

اولاً: یک ماه بعد که کلیه ایرانیان مراجعت می‌نمایند، روابط سیاسی و اقتصادی خود را با کشور سعودی قطع کند و به وسائل

ص: ۵۴

مختلف، علت آن را به اطلاع دنیا و خاصه ممالک اسلامی برساند.

ثانیاً: مادامی که وضعیّت فعلی در حجاز باقی است، مسافرت حجّاج را منع و از عبور قاچاق جدّاً در تمام سرحدّات جلوگیری و از علما و مراجع تقلید نیز فتاوی در این باب صادر و منتشر کنید.

ثالثاً: به وسیله رادیو و جراید ایران و ممالک عربی و طبع رساله‌های مخصوص، حقایق را منتشر و رفع اتهامات نسبت به ایرانیان و شیعه‌ها را بنمایید. [سیدباقر] کاظمی

چند پرسش

محمد علی همایون جاه معاون کل وزارت امور خارجه وقت، در پی پیگیری‌های قبلی آن وزارت خانه در نامه محرمانه شماره ۱۳۳۶ مورخ ۱۱/۱۱/۲۳ نامه‌ای خطاب به سفارت ایران در قاهره به این شرح ارسال می‌دارد:

سفارت کبرای شاهنشاهی

وزارت امور خارجه مایل است بطور تفصیل بداند که ابوطالب یزدی که یکی دو روز بعد از عید اضحی بسال ۱۳۶۲ هجری قمری مطابق با آذر ۱۳۲۲، به دست عمّال عربی سعودی در مکه به قتل رسیده است، به چه جرمی متهم و به چه طریق جرم او به ثبوت رسیده است؟ و این معنی بر حسب شهادت شهود بوده و یا بر حسب اقرار و اعتراف شخص متهم و یا به هر دو وسیله؟ و در صورت اول شهود چند نفر بوده و تابعیت کدام دولت را داشته، و مقیمین

ص: ۵۵

حجاز بوده و یا زائرین آن سال بوده‌اند و شهادت چه بوده است؟

یعنی آیا شهادت داده‌اند که ابوطالب دامان خود را از قازورات پر نموده و از خارج با خود آورده است و یا آن که در همان‌جا در دامان خود قسیان نموده و دامان خود را به قصد اهانت از دست داده است؟ و در صورت دوم یعنی اقرار و اعتراف، این معنی به چه طریق صورت گرفته و ابوطالب که آشنا به زبان عربی نبوده چگونه اقرار نموده است که قازورات را از خارج با خود به آن مقام متبرک آورده و یا در همان‌جا در دامان خود قسیان عمده نموده و دامان را نیز رها نموده است؟ و منظورش از این عمل صرفاً ملوث نمودن و بالا-خره اهانت وارد آوردن به آن مقام شریف بوده است؟ و بالا-خره حکم به محکومیت از محاضر شرعی صادر گردیده است و یا از محاکم عرف و بر طبق موازین شرعی بوده و یا طبق مقررات قانونی و در هر صورت موازین شرعی یا مقررات قانونی؟ که حکم بر روی آن صادر گردیده چه بوده است؟

و نیز وزارت امور خارجه مایل است از ترتیب قضاوت در مملکت عربی سعودی آگاه گردد.

بنابراین خواهشمند است مراتب بالا-را، یا توسط وزارت خارجه مصر که حافظ منافع اتباع ایران در سال ۱۳۲۲ در کشور عربی سعودی بوده و یا هر مقام دیگری که مقتضی و صلاح دانند تحقیق و گزارش فرمائید. معاون کل وزارت امور خارجه

محمد علی همایون جاه

ص: ۵۷

پاسخ سفیر

سفیر ایران در مصر در پاسخ به این نامه در گزارش شماره ۱۷۷ / ح / ۲۶۰ مورخ ۲۳ / ۴ / ۲۲ جوابی به این شرح به تهران ارسال می‌نماید:

وزارت امور خارجه

پاسخ نامه محرمانه شماره ۱۳۳۶ مورخ ۲۳ / ۴ / ۱۱ راجع به توضیحاتی که درباره کیفیت جرم منتسبه به ابوطالب یزدی و محاکمه وی خواسته‌اند اشعار می‌دارد:

اغلب این توضیحات در گزارشات سابق این سفارت و راپورت جناب آقای کاظمی و یادداشت‌های جوابی وزارت امور خارجه سعودی مندرج و توضیح داده شده است مراجعه مجدد به نماینده دولت سعودی و وزارت امور خارجه مصر هم تصور می‌رود مفید فایده نبوده، بلکه ممکن است مضر هم واقع شود. چه اولاً:

مأمورین سعودی از ابتدای امر توضیحاتی که داده‌اند، تمام به یک مضمون و عبارت از این است که متهم طبق اصول و قواعد معموله در کشور حجاز محاکمه و محکوم گردیده و همانطور که دولت سعودی در نظیر این مورد طبق مقررات بین‌المللی نمی‌توانست نسبت به محاکمه یک نفر از اتباع کشور سعودی در محاکم ایران اعتراض نماید، اعتراض دولت شاهنشاهی هم نسبت

به

ص: ۵۸

این موضوع وارد نیست.

ضمن یادداشت مفصلی هم که رونوشت آن ضمن گزارش شماره ۷۷/ح/ ۱۷۱ مورّخه ۱۵/۱۰/۲ به وزارت امور خارجه ارسال شده، دولت سعودی جریان قضیه را ذکر و سعی کرده است با استناد به آیات قرآن و احکام الهی جرم منتسبه را محقق و حد آنرا واجب جلوه دهد.

ثانیا: بعضی از این سئوالات از قبیل تعیین ملیت شهود و نحوه شهادت و مضمون اقرار و اینکه به چه زبان محاکمه و اقرار به عمل آمده، ممکن است برخوردارنده و موهن تلقی شده و این طور تصور شود که دولت شاهنشاهی مخصوصا مایل است عدم اطمینان و اعتقاد خود را نسبت به مقامات قضائی دولت سعودی ابراز دارد و به این جهت بعد از انقضای قریب یک سال از وقوع قضیه و تعاطی مکاتبات و یادداشت‌هائی، از نو شروع به تحقیقات و خواستن توضیحات نموده‌اند!

اما وزارت امور خارجه مصر به طوری که در گزارشات قبلی این سفارت به عرض رسیده، از ابتدای امر طرفدار حکومت سعودی بوده و مایل بودند دولت در این موضوع سختی نکرده و موافقت نماید، دولت مصر میانجی واقع و قضیه را بطور دوستانه حل نماید، چنانکه استحضار دارند حفظ منافع ایران در حجاز سال گذشته به دولت مصر واگذار شده بود، پس از وقوع قضیه ابوطالب ضمن ملاقات اینجانب با آقای نحاس پاشا که شرح آن در گزارش شماره

ص: ۵۹

۷۷/ح/ ۱۸۵ مورّخه ۱۲/۱۱/۱۳۲۲ به عرض رسیده است، اینان قسمتی از گزارش نماینده خود را برای اینجانب خواندند، مشار الیه در گزارش خود دولت سعودی را ذی‌حق و ابوطالب را مضر تشخیص داده بود، بنابراین مسلم است از مراجعه به وزارت امور خارجه مصر هم نتیجه حاصل نخواهد شد و اگر جوابی بدهند قطعاً در حدود همان توضیحاتی است که دولت سعودی در یادداشت خود ذکر کرده است.

اما اطلاعاتی که از خارج و به‌وسیله استعلام از اهل اطلاع توانسته است به دست آورد، و از آن جمله آقای محمد صادق مجدّدی وزیر مختار افغانستان در مصر است که متجاوز از چهارده سال است در مصر ماموریت دارند و در این مدت یازده مرتبه در موقع حج به حجاز سفر نموده‌اند، تمام مؤید مضامینی است که در گزارشات قبلی سفارت شرح داده شده اجمالاً به‌قراری است که در ذیل نگارش می‌شود:

۱- / شهودی که در قضیه ابوطالب شهادت داده‌اند بیشتر از حجاج مصری و عرب بوده‌اند.

۲- / بعضی‌ها مسئله حمل قاذورات را که به ابوطالب نسبت داده شده این طور توجیه می‌نمایند که مشارالیه در نتیجه کسالت، در خانه کعبه [مسجدالحرام] مبتلا به استفراغ و در دامن احرام خود استفراغ می‌کند که زمین کعبه [مسجدالحرام] ملوّث نشود، چند نفر حاجی که او را به این وضعیت و حمل چیزی در جامه احرام می‌بینند، تصور

ص: ۶۰

حمل کثافت نموده او را کتک می‌زنند نظر به کسالت و مستعد نبودن مزاج ابوطالب که شاید مبتلا به کلرین بوده و کتک و فشار حالت اسهالی وی را تشدید و اضطراباً زمین کعبه [مسجدالحرام] را ملوث می‌نماید.

۳- در خاک سعودی محاکم عرفی وجود ندارد و محکمه عبارت از یک قاضی است که طبق احکام شرع حکم می‌دهد و ریاست تمام قضات کشور با قاضی القضاة است، البته در موقع حج هر سال که عده زیادی از اطراف و کشورهای دیگر به مکه می‌آیند، قضات به‌طور فوق‌العاده معین می‌شوند که امور مطروحه را با قید فوریت حل و قطع نمایند.

۴- به طوریکه در یادداشت وزارت امور خارجه سعودی تصریح شده، ابوطالب به حکم قاضی و طبق حدود الهی و آیات قرآن که مورد استناد قرار داده‌اند محکوم و مقتول شده است.

۵- راجع به اینکه اقرار ابوطالب که مورد استفاده قرار داده‌اند به زبان فارسی بوده است یا عربی، تصور می‌رود تهیه جواب این سؤال برای مامورین سعودی اشکالی نداشته باشد، البته در موقع حج اشخاصی که زبان فارسی بدانند در بین حجاج و مطوفین پیدا می‌شوند و همانطور که زیارت‌نامه خوان‌های عتبات اغلب زبان فارسی را می‌دانند اکثر مطوفین حجاج ایرانی هم زبان فارسی را فرا گرفته‌اند تا قواعد و مراسم حج را به آنها نشان دهند.

ص: ۶۱

بعلاوه اینجانب ضمن ملاقات با نماینده سعودی در قاهره مخصوصاً این نکته را سؤال نمود، و مشارئاًلیه جواب داد، علاوه بر مطوفین حجاج ایرانی مترجمین رسمی هم که مامور دولت هستند دارند.

۶-/ راجع به طور محاکمه و قضاوت در کشور سعودی، آقای مجددی وزیر مختار افغانستان دو حکایت نقل نمودند که برای نشان دادن وضع حکومت در این کشور قابل توجه است، یکی این که در چند سال قبل یک نفر افغانی را در مکه به جرم این که می خواسته است حجر الاسود را سرقت نماید گرفتار و مقتول می نمایند،

دیگر این که در سنوات اخیر حاکم مدینه به آقای مجددی برای اظهار حسن خدمت می گوید:

چندی قبل یک نفر افغانی نزدیک مدینه دچار سارق و ده روپیه نقد با جامه احرام او را می برند، مامورین حکومت سارق را در محل وقوع سرقت پیدا نمی کنند، افغانی می گوید اگر او را ببینم می شناسم، به علاوه در موقع حمله، من با ناخن بینی او را زخمی نموده‌ام، بعد از چند روز افغانی سارق را دیده او رانزد حاکم می آورند و ارتکاب سرقت را انکار می نماید. حاکم می پرسد: این زخمی که روی بینی تو است چگونه پیدا شده؟

می گوید: در موقع شکستن چوب، تراشه هیزم اصابت نموده، حاکم که به تقصیر وی یقین حاصل و از این بی پروائی او در دروغ سازی متغیر می شود، در همان مجلس و در خانه خویش

ص: ۶۲

شخصاً شمشیر خود را کشیده گردن سارق را می‌زند.

البته از یک ملتی که اکثر آنها عبارت از اعراب بدوی خانه به دوش هستند، انتظار دیگری هم نباید داشت ولی از طرفی هم مسلم است که تمام این سختی‌ها و خشونت‌ها، سد راه مسلمانان ثابت العقیده نشده و همانطور که در گذشته که این تسهیلات و وسائل نقلیه نبود، رفتن به خانه خدا و برگشتن قریب یک‌سال طول می‌کشید و در راه انواع مصائب را تحمل و در صحرای حجاز نیز عده زیادی در اثر گرما و وبا و غیره تلف می‌شدند و مع هذا عشق و علاقه مسلمانان از زیارت بیت الله کم نمی‌شد و بلکه بنا بر «افضل الاعمال أحمزها» (۱)

تمام این سختی‌ها را برای قبول شدن زیارت و رسیدن به اجر جزیل با آغوش باز، حسن استقبال می‌نمودند، اکنون هم بی رحمی مامورین ابن سعود و گرفتن مبالغ زیادی از حجاج و اشکالات دیگر، از توجه مسلمانان به بیت الله نکاسته و ممنوع نمودن هم تأثیری نخواهد داشت. باری چون موقع حج نزدیک است مقتضی است دولت شاهنشاهی تصمیم قطعی عاجلی در این باب اتخاذ فرمایند که اشکالات دیگری در موقع حج پیش نیاید.

سفیر کبیر

۱- بحار، ج ۶۷، ص ۲۹۸ «از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله».

ص: ۶۵

پیشینه این اتهام ناروا

روش معاویه و خلفا و حاکمان پس از او، این بوده که از طرح فضایل و مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام و ائمه معصومین علیهم السلام و نیز تبیین عقاید شیعه جلوگیری می کردند، لیکن از گسترش و توسعه عقاید باطل و انحرافی، نه تنها نگران نبودند، بلکه گاهی نیز آنها را مورد حمایت قرار می دادند. همین مسأله، رفته رفته موجب شد تا عموم مردم نسبت به شیعیان و اعتقادات آنان و نیز فضایل و

ص: ۶۶

ویژگی‌های اهل بیت عصمت و طهارت بی‌خبر بمانند و مع‌الأسف تا به امروز نیز این شیوه ادامه یافته است، هم اکنون در عربستان اتهام‌هایی به شیعیان و مکتب اهل بیت وارد می‌کنند که هرگز واقعیت نداشته، و کذب محض است، در حالی که رفع شبهه کاری بسیار ساده و کاملاً عملی است.

چند سال پیش، در موسم حج، دیداری از رابطه العالم الاسلامی داشتم. بخش‌های فقه و قرآن را بازدید نموده، با مسؤولان این دو بخش، به گفتگو نشستم، یکی از آنان پس از آن که فهمید من شیعه هستم، شبهه دیرینه و ناروای تحریف قرآن را مطرح کرد و گفت:

قرآن ایرانیان تحریف شده و با قرآن اهل سنت تفاوت دارد!

به او گفتم: از شما که به صورت ظاهر فردی تحصیل کرده و عالم هستید، به شدت تعجب می‌کنم. پرسید: چطور؟ گفتم جهان امروز، جهان ارتباطات است، در تمامی دوران سال، از صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، صدای دلنشین قرائت قرآن پخش می‌شود و همه ساله میلیونها جلد قرآن در ایران به چاپ می‌رسد و آزادانه به فروش می‌رسد و با اینکه چند میلیون اهل سنت در ایران سکونت دارند و به لحاظ مذهبی نیز تعدادی از آنان با شما رابطه داشته و حتی در دانشکده‌های شما تحصیل می‌کنند، پس چرا تا کنون یک جلد از این قرآن‌های تحریف شده! و یا نوار قرآن‌های تحریف شده را تهیه نکرده‌اید تا به عنوان نمونه، به دیدار کنندگان،

ص: ۶۷

به عنوان مدرک و دلیل نشان دهید؟

از پاسخ در ماند و ما نیز باز گشتیم.

آلوده ساختن مسجد توسّیط شیعیان نیز اتهامی همچون اتهام تحریف قرآن است. در زمینه حرمت و احترام مساجد، خصوصاً مسجدالحرام و مسجدالنبی، کافی است مراجعه‌ای به کتب فقهی شیعه داشته تا دریابند که تمامی فقهای شیعه در طول تاریخ فتوا داده‌اند که اگر گوشه‌ای از مسجد نجس شد، تطهیر آن واجب فوری است، تا چه رسد به مسجدالحرام؟!

پس چرا و چگونه، این اتهام توسّیط برخی مقامات رسمی کشورها در آن زمان مورد قبول واقع شده است؟ چگونه است که یک ایرانی شیعه با هزاران رنج و زحمت و با هزینه کردن مبالغ بسیار و به جان خریدن خطرهای مالی و جانی فراوان؛ به خصوص در گذشته که گاهی حج نزدیک به یک سال طول می کشید و چه بسیار از حاجیان در میان راه یا در مکه و مدینه جان باخته و هرگز به کشور خود باز نمی گشتند، این همه زحمت و رنج را تحمّل نموده، به مکه و مسجدالحرام بروند و نعوذ باللّٰه کعبه و مسجد را آلوده و ملوث کند؟ آیا هیچ عقل سلیمی چنین اتهامی را می پذیرد؟!

ملاقات با محمد صلاح‌الدین

محمود جم سفیر ایران در نامه مورّخ ۱۲/۱۱/۱۳۲۲ ه. ش.

خود، مطابق با ۲/۲/۱۹۴۴ م نوشته است:

ص: ۶۸

محمّد صلاح‌الدین معاون وزارت امور خارجه را ملاقات کردم، وی گفت: به قراری که سفارت مصر از جدّه گزارش داده است، گویا سیزده نفر متهم به ملوث کردن خانه کعبه و حجرالأسود بوده‌اند! و گفته شده این اشخاص بر این باورند که اگر حجرالأسود و خانه کعبه ملوث شود، درهای بهشت به روی آنها باز می‌گردد!

وی پاسخ می‌دهد: این اظهارات کذب محض و دروغ فضاحت‌آمیز است و روی احساسات ضدّ ایرانی و ناشی از تعصّب جاهلانه است. چه، هیچ عقل سلیمی باور نمی‌کند که یک نفر ایرانی چندین هزار کیلومتر راه را پیموده و همه‌گونه مشقّت کشیده و با تحمّل مصارف زیاد، خانه کعبه را ملوث نماید؟!!

افشاگری مهم یک حاجی مصری

برای اینکه عمق این فاجعه و جنایت، بهتر روشن شود، به نامه یکی از اهالی فیوم مصر به نام حاج علی عباس ماوردی، که خود سال‌ها در حجاز به شغل تجارت مشغول بوده و آن را خطاب به سفیر ایران در قاهره نوشته است توجه کنید:

جناب آقای سفیر کبیر!

در حالی که این عریضه را به حضور جناب عالی معروض می‌دارم، به جای اشک خون می‌گیریم و دلم از این تهمت باطل، که در حق این شهید مظلوم گفته شده، و ما را در مقابل هزارها حاجی، کافر و فاجر قلمداد کرده و شرافت دین اسلام و شرافت ملی و

ص: ۶۹

اخلاقی و ادبی را از ما سلب نموده و ما را در نظر آنها پست‌تر و پلیدتر از نجس‌های هندوستان کرده، می‌سوزد و کباب می‌گردد! اینجانب که فعلاً در فیوم مشغول خرازی فروشی و عطر فروشی هستم، پیش از جنگ ۱۹۱۴، شش سال تمام بین مکه و مدینه مشغول تجارت و خرید و فروش بودم و در این موقع که شریف حسین، سلطان حجاز بود غالب تجارت بنده با ایران بود و از اوضاع حجاز کاملاً مطلع هستم، لذا نظر جناب عالی را به این نکته متوجه می‌سازم که این تهمت باطل، مکرر نسبت به ایرانیان زده شده و تمام اهل حجاز از خوب و بد و بزرگ و کوچک از آن آگاهی دارند و بدان معترف هستند و می‌دانند که عده‌ای از حجازیان جلف و پست، که نسبت به ایرانیان که آنها را رافضی می‌دانند، دشمنی دارند، عدس پخته را مدتی در آفتاب می‌گذارند تا بترشد و گندیده شود، سپس آن را مانند گوشت کنسرو، در روده گاو و گوسفند می‌گذارند و در موقع طواف و مخصوصاً در موقع بوسیدن حجرالأسود، از پشت سر ایرانی مظلوم آمده، لباس او را با عدس گندیده ملوث می‌کنند و فریاد بر می‌آورند که ایرانی کعبه را ملوث می‌کند! در صورتی که حاجی بیچاره کاملاً از موضوع بی‌اطلاع و کاملاً بی‌گناه و بری از این جنایت می‌باشد.

حکومت آن وقت هم از موضوع آگاهی داشت ولی بدان اهمیت نمی‌داد، مطوفین حجاج ایرانی و سایر حجاج شیعه؛ یعنی «سید حسین سحره» و «سید عباس سحره» و «سید حسین سحره» که

ص: ۷۰

در جدّه و مکه خانه دارند و از دیر زمانی مطوفین ایرانیان بوده‌اند و هستند، از این موضوع آگاهی دارند و می‌دانند که از اجلاف حجازی‌ها کراراً چنین کاری شده است.

جناب آقای سفیر کبیر!

آیا این قبیل کارها پایان ندارد؟ آیا دوباره به دوره شوم بنی‌امیه بازگشته‌ایم؟ آیا خون این بیچاره بی‌گناه و خون ما جعفری‌ها، از این به بعد باید به هدر برود و شرف این طایفه به این اتهاماتِ باطل باید لگه‌دار بماند؟! خداوند! به حال ما رحمت آر و انتقام ما را چنان از ظالمین بستان که طاقت آن را نیاورند ...

تأیید توطئه

گزارش حاجی مصری، توسط آقای عصامی تاریخ نویس عرب در کتاب تاریخ مکه سباعی چاپ عربستان تأیید گردیده و در آن کتاب اینچنین نقل شده است:

«در سؤال سال ۱۰۸۸ میلادی، در حالی مردم روز را آغاز کردند که کعبه به چیزی شبیه نجاست آلوده شده بود، و به لحاظ ذهیتت قبلی که معلوم نیست عقل آنان چگونه آن را پذیرفته بود، به سراغ برخی از شیعیان آمده، آنها را به چنین عمل زشت و ناپسندی متهم نمودند، سپس آتش جهل و عصیّت ترک‌های مجاور

ص: ۷۱

مکه و برخی حجاج شعله‌ور گردیده، به شیعیان حمله‌ور شدند و با سنگ و شمشیر تعدادی را کشتند.

آقای دحلان به نقل از عصامی - تاریخ‌نویس عرب - می‌نویسد:

آقای عصامی در کتاب تاریخ خود نوشته که من با چشم خود آنچه را که کعبه به آن آلوده شده بود دیدم، آنها سبزیجاتی مخلوط

شده با عدس و روغن‌های متعفن بود که بوی بسیار بدی پیدا کرده بود. (۱)

این نظر دقیقاً گفته آن زائر فیومی مصری را تأیید نموده، پرده از این توطئه بزرگ برمی‌دارد؛ به خصوص اینکه آقای عصامی خود

آنچه را دیده، گزارش کرده است.

آقای سباعی سپس می‌افزاید:

«آنچه تأسف مرا افزون می‌کند این است که تا به امروز برخی چنین تصویری نسبت به شیعه دارند که بر اساس یک باور دینی تا

کعبه را ملوث نکنند حج آنان پذیرفته نیست!»

آنگاه به نکته جالبی اشاره می‌کند تا پرده غفلت را از عقل‌ها بردارد، او می‌نویسد:

«اگر عقل را به حکمیت بپذیریم به نادرستی این نظریه

۱- تاریخ مکه سباعی، ص ۳۸۴.

ص: ۷۲

پی‌می‌بریم؛ زیرا همه ساله در موسم حج هزاران شیعه کنار خانه خدا می‌آیند و اگر چنین عقیده‌ای صحیح باشد، لازم است بارها و بارها کعبه آلوده گردد و حال آنکه چنین چیزی رخ نداده است، ولی چه کنیم که وقتی در برابر مخالفان خود قرار می‌گیریم، عقل را به دست فراموشی سپرده آن را کنار می‌گذاریم! (۱)

بخشنامه مهم وزارت امور خارجه

در پیگیری حادثه، وزارت امور خارجه بخشنامه‌ای صادر و ضمیمه نامه شماره ۴۵۵۴ مورخ ۲۲/۱۱/۴ خود به سفارت ایران در قاهره ارسال می‌دارد که متن بخشنامه چنین است:

وزارت امور خارجه

بخشنامه

پیرو بخشنامه تلگرافی شماره ۷۳۴ در خصوص تعدّیات مامورین دولت سعودی نسبت به حجاج ایرانی و قتل طالب نام ایرانی به اتهام بی‌احترامی به خانه کعبه اشعار می‌دارد:

چنانچه اطلاع داده شد، سفارت کبرای شاهنشاهی در قاهره به موقع خود یادداشتی به وزارت امور خارجه سعودی ارسال و در

۱- تاریخ مکه سباعی، ص ۳۸۴؛ العصامی، ج ۴، ص ۵۲۹، مطبوعه سلفیه مصر؛ خلاصه‌الکلام، ص ۹۷.

ص: ۷۳

آن شدیداً به طرز رفتار مامورین دولت سعودی اعتراض نموده است. وزارت امور خارجه سعودی در پاسخ، ضمن یادداشت مفصلی که به سفارت قاهره فرستاده است ادعا نموده است که حاجی ایرانی قصد ملوٹ کردن کعبه را داشته و جرم به دلایل شرعی و اقرار متهم ثابت شده است.

وزارت امور خارجه پس از اطلاع از جریان امر، به وسیله سفارت کبرای قاهره جواب داده که دولت شاهنشاهی، این یادداشت را به هیچ وجه قابل قبول نمی‌داند و نسبتی را که به حاجی ایرانی داده‌اند و در نزد هیچ بشر ذی شعوری معقول و پسندیده نیست، جداً تکذیب می‌نماید و تا وقتی که جان و حیثیت ایرانیان در خانه دولت عربی سعودی محفوظ نباشد و استرضای دولت و جبران این رفتار که در مناسبات بین المللی اسمی برای آن نمی‌توان پیدا کرد به عمل نیاید، دولت ایران خود را مجبور خواهد دید در ادامه مناسبات خود با دولت سعودی تجدید نظر نماید.

به وسیله اداره تبلیغات در اینجا نیز اعلامیه [ای] در جراید منتشر شد، انتشار این خبر تأثیر بسیار سوئی در محافل و افکار عامه بخشید و مقالات شدیدی بر علیه این رفتار و اهانتی که مامورین سعودی به ایرانیان نموده‌اند در جراید درج گردیده، که خلاصه آنها به ضمیمه رونوشت اعلامیه اداره تبلیغات و جواب یادداشت ارسالی

ص: ۷۴

وزارت امور خارجه دولت سعودی برای اطلاع فرستاده می‌شود.

دولت شاهنشاهی تصمیم گرفته است تا این وضعیت ادامه دارد از خروج حجاج ایرانی ممانعت نماید.

از علما و روحانیون تهران نیز خواسته شده است، به وسیله وعاظ و اهل منبر مردم را نصیحت و توصیه نمایند تا ترتیبی برای تأمین جان آنها داده نشده از رفتن به حج خودداری نمایند.

نمایندگان دوره چهاردهم مجلس شورای ملی هم که در تهران حاضر هستند جلسه‌ای در مجلس تشکیل داده نطق‌های شدید و مؤثری ایراد نموده و از این رفتار عمال سعودی اظهار تنفر و انزجار کردند.

آقای آیة‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی تلگرافی به حضور اعلیحضرت همایون شاهنشاهی مخابره نموده که رونوشت آن نیز با رونوشت پاسخی که صادر گردیده تلواً فرستاده می‌شود.

از شهرستانها نیز تلگرافات مبنی بر اظهار تنفر و انزجار از این عمل مامورین دولت سعودی به وزارت امور خارجه واصل گردیده است.

اطلاعیه وزارت امور خارجه

همچنین جهت روشن شدن افکار عمومی؛ وزارت امور خارجه اعلامیه‌ای به این شرح صادر می‌کند:

وزارت امور خارجه

اعلامیه وزارت امور خارجه

با اینکه دولت امسال به واسطه اشکال مسافرت و نبودن وسایل حمل کافی و مطمئن، از دادن اجازه مسافرت به حج خودداری نموده و به مامورین شاهنشاهی در خارجه نیز دستور لازم در این زمینه داده شده بود، معهذا مطابق گزارش‌هایی که از سفارت کبرای شاهنشاهی در قاهره و سفارت بغداد رسیده، عده کثیری در حدود شش هزار نفر به قصد حج از ایران خارج شده‌اند که عده‌ای از آنها به طور قاچاق از بنادر جنوبی ایران و از راه کویت به حجاز رفته و عده دیگر که به عنوان زیارت عتبات رفته بوده‌اند از آنجا از طریق نجف به حجاز مسافرت کرده‌اند،

از این شش هزار تقریباً چهار هزار نفر توانسته‌اند با هزار سختی و بدبختی و صدمات فوق‌الطافه خود را به حجاز برسانند، با این حال عده‌ای از آنها مثل سال گذشته نتوانسته‌اند به موقع خود را به مکه برسانند و از درک حج محروم گردیده‌اند. علاوه بر صدمات و خسارات و سختی‌هایی که از حیث نبودن وسایط نقلیه و اجحاف و تعدیات صاحبان وسایط نقلیه و

ص: ۷۷

حمله‌دارها به حجاج ایرانی رسیده، امسال اتفاقات بسیار ناگوار دیگری هم در موقع اجرای مناسک حج روی داد و از جمله عده‌ای از آنان را توقیف کرده‌اند که پس از اقداماتی که به عمل آمده آزاد گردیده‌اند و حتی یکی از حاجی‌های ایرانی به تهمت ملوث کردن خانه کعبه محکوم و بین صفا و مروه گت بسته حاضر و پس از خواندن حکمی با شمشیر سر او را بریده‌اند. به طوری که حجاج ایرانی و عراقی در مراجعت از مکه نقل نموده‌اند شرح واقعه از این قرار بوده است:

یک نفر جوان ۲۲ ساله یزدی که با عیال خود به حج مشرف شده بوده در موقع طواف کعبه مورد تعرض عده‌ای واقع و به او ایراد کرده‌اند که کتافات و فضولیات همراه داشته و می‌خواسته است عمداً خانه کعبه را ملوث نماید و لهذا جوان را نزد حاکم (آمر بمعروف) که در موقع حج از طرف دولت سعودی حضور دارد برده و چهار نفر بر علیه او شهادت داده، سپس بین صفا و مروه در حضور جمع بسیار کثیری از حجاج، با شمشیر سر او را از بدن جدا کرده‌اند در صورتی که طبق اظهار حجاج ایرانی این جوان ابداً قصد اسائه ادبی نداشته و بلکه در موقع طواف به واسطه گرمی هوا و کسالت، حالت استفراغ به او دست داده و مخصوصاً برای اینکه زمین کعبه را ملوث ننماید در جامه احرام خود استفراغ کرده و قصد داشته است آن را به خارج ببرد که در این اثناء گرفتار حجاج غیر ایرانی و دچار این بلیه شده است.

ص: ۷۸

پس از انتشار این خبر حجاج ایرانی مورد تعدی و تجاوزاتی واقع و زرد و خوردهایی هم در چندین نقطه بین طرفین روی داده است، مطابق اطلاعی هم که از بغداد رسیده انتشار این خبر در عراق و تعدیاتی که در سال جاری نسبت به حجاج ایرانی شده، در بین ایرانیان مقیمین عتبات نیز احساسات تنفر آمیز بوجود آورده و وعاظ در منابر، مظالم مامورین دولت سعودی را به اطلاع عامه رسانیده‌اند و حتی آماده شده‌اند که هیئتی را از طرف خود تعیین و خدمت حضرت آقای آیه‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی فرستاده و تقاضا نمایند، مادامی که دولت سعودی رویه خود را تغییر نداده و این اقدام بی‌قاعده را جبران ننمایند حج را برای ایرانیان و شیعیان تحریم نمایند.

از طرف سفارت کبرای شاهنشاهی در قاهره نسبت به این حرکت وحشیانه مامورین دولت ابن سعود در نزد آن دولت اعتراض سخت به عمل آمده است.

وزارت امور خارجه پس از اطلاع از مطلب، با تصویب دولت، دستور مجدد تلگرافی به سفارت کبرای شاهنشاهی در قاهره صادر نموده، که علاوه بر اعتراض شدید نسبت به این اقدامات و رویه مامورین دولت سعودی، مخصوصاً به وزارت امور خارجه آن دولت خاطر نشان نماید که، دولت شاهنشاهی مصمم است در صورتی که به فوریت، این اقدام بی‌رویه مامورین دولت سعودی جبران نگردد و برای آتیه هم ترتیبات اطمینان بخش برای تامین

ص: ۷۹

جانی ایرانیان داده نشود، از خروج زوار ایرانی ممانعت نماید.

به سفارت شاهنشاهی در بغداد نیز دستور داده شده، نظر دولت را به استحضار علما [در] عتبات و مخصوصاً حضرت آقای آسید ابوالحسن اصفهانی برساند.

ص: ۸۰

گسترده‌گی توطئه

حادثه‌ای چنین با اهمیت در کنار کعبه رخ می‌دهد و قلب هر انسان مسلمانی را جریحه‌دار می‌کند، لیکن متأسفانه و با کمال تعجب، بسیاری از کشورها و دولت‌ها نه تنها هیچ‌گونه اقدامی در این زمینه انجام ندادند، بلکه از انعکاس آن در رسانه‌ها و مطبوعات نیز جلوگیری کردند!

«ساعده» در نامه مورخ ۲۲/۱۲/۲۰ خود می‌نویسد:

هشتم اسفند به سفارت‌های انگلیس، آمریکا، شوروی، مصر و عراق تذکریه‌ای ارسال و با تشریح قضیه راجع به قتل ابوطالب، تقاضا شد از نظر علاقمندی آنها به حسن تفاهم بین دول و ملل، در تأیید تقاضاهای مشروع و استرضای خاطر دولت شاهنشاهی ایران اقدام نمایند

ص: ۸۱

و به سفارت خودمان در لندن نیز تلگراف شد، از دولت انگلستان بخواهند که به مأمورین مربوطه خود دستور لازم صادر نمایند. ساعد

محمود جم نیز در نامه مورخ ۱۳۲۲ / ۱۲ / ۲۵ ه. ش. خود نوشته است:

... روزنامه‌های مصر تا کنون برحسب دستور دولت، هیچگونه اشاره‌ای به قضیه حجّ امسال و قتل ابوطالب یزدی ننموده‌اند ...

سفیر ایران در بغداد نیز در این زمینه می‌نویسد:

پیرو گزارش محرمانه ۱۳۲۲ / ۱۰ / ۲۸ شماره ۵۱۲، راجع به موضوع اقدامات دولت سعودی در اعدام یک نفر ایرانی یزدی شیعه معروض می‌دارد:

حجاجی که به عراق بازگشت نموده‌اند اظهار می‌دارند: امسال حفظ منافع حجاج ایرانی به نماینده دولت مصر محوّل گردیده بود ولی هیچگونه مساعدتی نسبت به حفظ حقوق حجاج ایرانی به عمل نیآورده، چنان که حاجی ایرانی یزدی را که مأمورین سعودی با وضع فجیعی به قتل رسانیده‌اند، تقریباً ۱۶ ساعت بازداشت شده بود، در ظرف این چندین ساعت امکان داشت که نماینده دولت مصر عواقب وخیم این عمل را به دولت سعودی خاطر نشان کرده و اقداماتی برای نجات ایرانی مزبور بنماید، ولی به هیچوجه اقدامی در دفاع از حقوق او ننموده و ایرانی نامبرده که به زبان محلّ آشنا

ص: ۸۲

نبوده، نتوانسته است از خود مدافعه نماید و در نتیجه به اتهام قضایای بی‌اساس، حاجی یزدی را بی‌گناه به قتل رسانیده‌اند. در هر حال در صورت مقتضی مقرر خواهند فرمود که از دولت مصر نیز توضیحات کافی خواسته شود تا حقیقت امر کشف گردد ...

و در نامه مورخ ۲۸ / ۱۰ / ۱۳۲۲ سفیر ایران در عراق آمده است:

حجاج ایرانی اظهار می‌دارند با اینکه حفظ منافع حجاج به نماینده مصر واگذار شده بود، صرف نظر از اینکه نماینده دولت نامبرده هیچگونه اقداماتی در این باب به عمل نیاورده، حجاج شیعه و ایرانی مورد تعرض مصریان واقع گشته و حتی چهار نفر شهودی که باعث قتل تاجر شیعه ایرانی گردیده، از اهالی مصر بوده‌اند و به همین مناسبت شیعیان نسبت به مصریان فوق‌العاده خشمناک می‌باشند. وزیر مختار

۱۳۲۲ / ۱۰ / ۲۸

در نامه شماره ۷۷ / ح / ۱۹۶ مورخ ۱۹ / ۱۱ / ۱۳۲۲ نیز آمده است:

مصری‌ها جداً از انتشار هر خبری راجع به قتل ابوطالب یزدی در مکه جلوگیری می‌کنند، حتی مجله چهره‌نما که به فارسی و در بین ایرانیان منتشر می‌شود، نتوانست مختصری از این پیش آمد بنویسد ...

سفیر کبیر در نامه شماره ۷۷ / ح / ۲۳۶ مورخ ۹ / ۱ / ۱۳۲۳

ص: ۸۳

نوشته است:

تعقیب شماره ۱۷۷/ح/ ۲۳۵، سفیر کبیر انگلیس به‌طور غیر رسمی و دوستانه اطلاع می‌دهد که وزارت خارجه انگلیس تلگراف کرده است که در قضیه قتل ابوطالب یزدی حاجی ایرانی، چون موضوع مذهبی است! مأمورین انگلیسی نمی‌توانند مداخله نمایند!!

راجع به نظریات دولت و شروط ختم قضیه می‌نویسد:

قطعاً دولت ابن سعود حاضر به معذرت خواستن نخواهد شد و اظهار تأسف می‌کند که این موضوع منجر به قطع روابط دولتی نشود

...

عکس‌العمل مراجع و علما

شهادت مظلومانه میرزا ابوطالب یزدی، خشم و نفرت شیعیان را برانگیخت. مراجع عالیقدر شیعه، علما و روحانیون، خطبا و گویندگان مذهبی، اصناف و اقشار مختلف مردم هر کدام به شکلی انزجار خود را از این اقدام دولت حجاز اعلام داشتند. مرحوم آیه‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی قدس سره تلگرافی به شاه مخبره و از وی خواستار اقدام جدی می‌شوند. در این تلگراف چنین آمده است:

بعد از دعوات صمیمانه به عرض اعلی می‌رساند، سکوت

ص: ۸۴

ذات شاهانه از قتل دلخراش طالب نام ایرانی در حجاز، به بهانه یک تهمت بی‌اساس روا نیست، لهذا اصداً او امر مطاعه به تعقیب قضیه و مؤاخذه مرتکبین را منتظر و تمدید عمر جهانبانی ذات ملوکانه را از حضرت باری جلّ جلاله سائل.

ابوالحسن الموسوی الاصفهانی

خوانندگان محترم لازم است شرایط مخابره تلگراف را در نظر گرفته، توجه داشته باشند که در آن زمان، شاه تازه روی کار آمده و هنوز مرتکب جنایاتی که در دوران سلطنت خود به آن دست یازید، نگردیده بود.

شاه در پاسخ، تلگرافی به این شرح مخابره کرد:

نجف اشرف - جناب مستطاب حجة الاسلام آية الله اصفهانی - دامت افاضاته -

از احساساتی که در تلگراف راجع به قضیه قتل دلخراش طالب نام ایرانی ابراز داشته‌اید امتنان داریم، در این باب از طرف ما سکوت اختیار نشده است و به دولت دستور مؤکد داده‌ایم که قضیه را با کمال جدّیت تعقیب نمایند تا احقاق حقّ به عمل آید و منافع ایرانیان و مسلمین محفوظ بماند.

۳۰ دی ماه ۱۳۲۲

ص: ۸۵

حضرات آیات سیدابوالحسن صدر و سیدهبه‌الدین الحسینی نیز در نامه‌ای خطاب به وزیر مختار دولت ایران (سفیر کبیر) در بغداد چنین مرقوم فرمودند:

جناب آقای وزیر مختار محترم دولت شاهنشاهی ایران

با کمال تأسف آگاهی یافته‌ایم که [در] بلدالحرام در ماه حرام، فاجعه الیمی روی داده که قربانی آن یک نفر مسلمان ایرانی بوده که برای ادای فریضه حج قصد شهری را نموده که هر کس وارد آن شود در امان است، آیا از حقیقت حال اطلاعی دارید؟ و آیا در این حادثه مهم

ص: ۸۶

اقدامی به عمل آورده‌اید؟ ما در انتظار پاسخ جناب عالی هستیم.

کاظمین ۱۲ محرم الحرام سال ۱۳۶۳ ه. ق.

ابوالحسن صدر عفی الله عنه هبة‌الدین الحسینی

فشار افکار عمومی

وزیر مختار ایران در کشور عراق که فشار روز افزون مراجع و علما و اقشار مردم را شاهد است، گزارش محرمانه‌ای به تهران ارسال و در آن چنین نوشته است:

پیرو گزارش محرمانه ۲۰/۱۰/۱۳۲۲ شماره ۵۰۴ راجع به اقدام مأمورین سعودی در اعدام یک نفر یزدی شیعه ایرانی و بد رفتاری با حجاج ایرانی معروض می‌دارد:

حجاجی که تدریجاً به عراق بازگشت نموده‌اند، واقعه مزبور را در کلیه مجامع با طرز رقت‌آوری به اطلاع عامه، مخصوصاً شیعیان رسانیده و تعدیات و اجحافات و رفتار سخت و خشن مأمورین سعودی با حجاج شیعه به قسمی شیعه‌ها را عصبانی کرده و احساسات آنها را تحریک نموده، که افکار همگی متوجه این قضیه گردیده است و مراجع تقلید را نیز در تحت فشار گذارده‌اند که در اسرع اوقات موضوع را به طریق رضایت‌بخشی حلّ و تسویه نمایند.

از قرار معلوم آقایان مراجع تقلید هم، جداً قضیه را دنبال کرده،

ص: ۸۷

کتاباً و تلگرافاً مراتب را به عرض پیشگاه اعلیٰ حضرت و دولت شاهنشاهی رسانیده‌اند و نظر به این که تنها دولت شیعه و پشتیبان شیعه دولت شاهنشاهی است و حاجی هم که شهید شده ایرانی است، انتظار و امیدواری کامل دارند که دولت شاهنشاهی و شیعیان را مطابق اصول جاریه بین دول فراهم کرده و غرامت این اقدام بی‌رویه را پردازد و دولت سعودی رسماً ندامت و پشیمانی خود را به اطلاع دنیا رسانیده و طریقی که برای حلّ قضیه اتخاذ شده، اعلام دارد و به اضافه تأمیناتی بدهد که در آتیه حجاج شیعه در امان باشند و دیگر دست اندازی و تعدّی به حقوق آنها نشود و شیعیان اظهار عقیده می‌نمایند اگر دولت سعودی بدین ترتیب حاضر برای حلّ این واقعه نشد، به دول مسلمان و دول متحد مراجعه شود که با دولت شاهنشاهی و شیعیان تشریک مساعی بنمایند تا کار مطابق میل و دلخواه دولت شاهنشاهی و شیعیان حل و تسویه گردد و چون دولت سعودی با دولت شاهنشاهی همسایه نیست، شاید توجه کامل به پیشنهادات دولت ایران نکنند، ولی نظر به احتیاج مبرمی که به کشورهای مسلمان و دول متحد دارد، یقین است مجبور خواهد شد که سر تسلیم فرودآورد و حاضر شود به‌طور رضایت‌بخش موضوع را تسویه نماید.

مراجع تقلید و شیعیان همه روزه به سفارت مراجعه و نتیجه اقدامات دولت شاهنشاهی را استفسار می‌نمایند. متمنی است بفرماید از هر اقدامی که در این باب به عمل آمده و یا خواهند

ص: ۸۸

آورد، سفارت را در جریان بگذارند که به اطلاع آقایان مراجع تقلید برسانند که بدین وسیله تشفی حاصل نماید و حتی اظهار می‌دارند اگر اقداماتی هم باید از طریق مراجع تقلید و یا شیعیان بشود اعلام گردد تا به همان ترتیب رفتار و عمل نمایند. سفیر ایران در عراق در نامه دیگری می‌نویسد:

در پیرو گزارش محرمانه ۱۳۲۲/۱۰/۲۸ شماره ۵۱۲ راجع به واقعه مکه و اقدام دولت سعودی در اعدام یک نفر حاجی ایرانی می‌نگارد:

به طوری که از متنفذین شیعه شنیده می‌شود، در نظر دارند مستقیماً و به وسیله تلگرافی به دولت سعودی و به رؤسای ممالک دیگر اسلامی مخابره و از این اقدام ناشایسته مأمورین دولت نامبرده اظهار تنفر نموده، جبران این قضیه و تأمینات کافی برای آتیه بخواهند، در منابر هم وعاظ همواره عملیات خصمانه دولت سعودی را نسبت به شیعیان به اطلاع عامه می‌رسانند و حتی شنیده می‌شود که نمایندگان شیعه مجلس شورای ملی و مجلس سنای عراق هم در نظر دارند که در مجلسین، موضوع مزبور را مطرح نمایند. بنابراین، چنانچه مصلحت باشد به موقع خواهد بود که در نخستین جلسات مجلس شورای ملی ایران نیز اظهاراتی در اطراف این واقعه بشود. وزیر مختار

سفیر ایران در بغداد در بخشی از نامه شماره ۵۰۴ خود می‌نویسد:

ص: ۸۹

... از قراری که رادیوی تهران خبر داده، نسبت به این اقدام دولت سعودی جراید تهران مقالاتی نشر داده‌اند، متمنی است مقرر فرمایند از جراید مهمی که مقالات مزبور را درج کرده‌اند، پنجاه نسخه به سفارت ارسال دارند، که برای مراجع تقلید و اهل علم و اشخاص دیگر که در عتبات عالیات بین شیعه‌ها نفوذ دارند داده شود، که از اقدامات دولت شاهنشاهی آگاه شوند و در آتیه نیز چنانچه در این باب مطالبی در جراید انتشار یابد مرتباً از هر یک، پنجاه نسخه به سفارت برای انجام همین منظور ارسال نمایند. همه روزه مرتباً نتیجه اقدامات دولت شاهنشاهی را مراجع تقلید و متنفذین شیعه استعلام می‌نمایند، بی‌خبری این سفارت باعث زحمت شده و برای حیثیت و دولت شاهنشاهی خوب نیست.

متمنی است مقرر فرمایند فوراً و تلگرافاً نتیجه اقدامات را به استحضار این سفارت برسانید. وزیر مختار

عکس‌العمل مجلس شورای ملی

از سوی دیگر وزیر خارجه وقت نامه‌ای به سفیر ایران در مصر نوشته و در آن آورده است:

... در ۲۸ دی‌ماه ۱۳۲۲ نمایندگان دوره چهاردهم مجلس شورای ملی در تهران، مذاکرات زیادی به عمل آورده و تمام نمایندگان از این رفتار عمال دولت سعودی اظهار تنفر و انزجار نموده و نطق‌های مؤثر و شدیدی نیز ایراد

ص: ۹۰

کرده‌اند و سپس قرار بر این شد که نتیجه اقدامات دولت بعداً به اطلاع نمایندگان مجلس برسد.

علاوه بر این تلگرافاتی نیز تا به حال از شهرستان های بهشهر، ساری، تبریز، رفسنجان و اردکان واصل گردیده که همگی با لحن شدیدی به عملیات دولت سعودی حمله نموده و نسبت به آن اظهار تنفر کرده‌اند و در رفسنجان و اردکان، مجلس ترحیم نیز برپا نموده‌اند.

امضاء وزیر امور خارجه

درخواست تحریم حج

دامنه اعتراضات گسترده‌تر شده، برخی روزنامه‌های عربی درخواست تشکیل هیأتی از ملل اسلامی را برای اداره اماکن مقدسه مطرح می‌کنند. در مقدمه روزنامه «منبرالشرق» مطلبی درج می‌شود که آیا دولت ایران با دولت عربی سعودی قطع رابطه می‌کند؟ سپس می‌نویسد: ... به مناسبت این حادثه الم‌انگیز تقاضا کردیم که در مکه معظمه برای رسیدگی به وضعیت اماکن مقدسه که متعلق به تمام مسلمین است و بررسی امور حجاج که از تمام ملل مسلمان می‌باشند، هیأتی از ملل اسلامی تشکیل گردد که بر اساس جامعه اسلامی باشد و به منظور اتحاد و یگانگی مسلمین و برقراری روابط دوستی و برادری بین تمام مؤمنین خاور و باختر دنیا اساس این کار تهیه شود.

ص: ۹۱

روزنامه اطلاعات در تاریخ ۲۷/۱۰/۲۲ ضمن ارائه گزارشی پیرامون این حادثه پیشنهاد می‌دهد تا دولت ایران، مجازات مرتکبین این جنایت فجیع را از دولت سعودی خواستار و مادامی که رفتار دولت سعودی چنین باشد، آقایان علما و حجج اسلام، حج را حرام کنند.

همچنین در تاریخ ۲۸/۱۰/۲۲، نسبتِ ملوث کردن خانه خدا را به حاجی ایرانی رد نموده و پیشنهاد تحریم حج را می‌نماید و این وحشی‌گری را مخالف اتحاد عالم اسلام و احکام قرآن می‌داند و جبران موضوع را از دولت خواستار گردیده است.

خلاصه مقالات جراید آن وقت در خصوص قتل میرزا ابوطالب یزدی به این شرح است:

روزنامه آذربایجان مورخه ۱/۱۱/۲۲

ضمن بیان چگونگی قتل حاجی ایرانی اشاره نموده است که این واقعه اگر در دوره جاهلیت یا قرون وسطی اتفاق می‌افتاد مایه تعجب نبود ولی امروزه که دنیا برای آزادی می‌جنگد، عمال دولت سعودی با این عمل، وحشی‌گری و کوچکی فکر خود را ثابت نموده‌اند جبران سپس این فاجعه را از دولت تقاضا نموده است.

روزنامه آژیر مورخه ۲۹/۱۰/۲۲

این عمل مامورین دولت سعودی را تقبیح نموده و می‌نویسد:

دولت ما کاملاً در اعتراضاتی که به عمل آورده محق بوده است امیدواریم این اتفاق لاقلاً درس عبرتی برای داوطلبان آینده

ص: ۹۲

(حاجی شدن) بشود ووقتی مامورین دولت قبل از وقت از خطرات و مشکلات مطلعشان می‌کنند به آن ترتیب اثر داده و جان خود را به خطر نیندازند.

روزنامه اطلاعات

۱- / مورّخه ۲۷ / ۱۰ / ۲۲

از تعصّب خشک و وحشی‌گری و حماقت مامورین دولت سعودی سخن رانده و سپس متذکر می‌شود که یک قسمت از این پیش آمدها ناشی از خود سری مردم است که بدون توجه به مقتضیات و سیاست کشورمان بدون اجازه مسافرت می‌کنند و اضافه کرده است که اگر دولت مطمئن نیست در کشوری حقوق افراد او حفظ می‌شود به کلی رشته ارتباط را با آن کشور قطع نماید.

ضمناً پیشنهاد می‌نماید مجازات مرتکبین این جنایت فجیع از دولت سعودی خواسته می‌شود و مادامی که رفتار دولت سعودی چنین باشد آقایان علماء و حجج اسلام حج را حرام کنند.

۲- / مورّخه ۲۸ / ۱۰ / ۲۲

نسبت ملوّث کردن خانه خدا را به حاجی ایرانی رد نموده و پیشنهاد تحریم حج را می‌نماید و این وحشی‌گیری را که از طرف عمال سعودی سرزده مخالف اتحاد عالم اسلام و احکام قرآن می‌داند و جبران موضوع را از دولت خواستار گردیده است.

۳- / مورّخه ۳ / ۱۱ / ۲۲

می‌گوید جلوگیری از رفتن ایرانیان به حج مانند این است که

ص: ۹۳

به علت وجود جانوران و وحوش در یک خانه، به عوض سرکوبی و بیرون کردن وحوش، اشخاص ذی حقوق را از ورود در آن خانه محروم کنیم و پیشنهاد می‌کند دول اسلامی به کمک متفقین خود طایفه وحشی و نالایق وهابی را از خاک کعبه و طرق وصول به آن خارج و یا مطیع نموده و حکومت مکه و آن صفحات به دست کمیته‌ای از نمایندگان دول اسلامی سپرده شود.

روزنامه اقدام مورّخه ۲۹ / ۱۰ / ۲۲

تاریخچه‌ای از وهابی‌ها و قتل و غارت و وحشی‌گری آنان بیان نموده و می‌نویسد: ارتزاق پادشاه و هیئت دولت و قضات آنان از حجاج می‌رسد و پیشنهاد می‌نماید روابط ایران با آن حکومت قطع شود و حج از طرف علما تحریم گردد. در این شماره شرح اعتراض آمیزی از طرف دانشجویان دانشکده حقوق نیز درج گردیده است.

روزنامه امروز و فردا مورّخه ۲۸ / ۱۰ / ۲۲

پس از بیان وحشی‌گری وهابی‌ها می‌نویسد که: دولت غفلت و مسامحه نموده که شش هزار نفر به طور قاچاق از مرز خارج شده‌اند، سپس پیشنهاد می‌نماید با حکومت سعودی قطع رابطه شود و حج نیز تحریم گردد.

روزنامه امید مورّخه ۴ / ۱۱ / ۲۲

کاریکاتوری ساخته که وحشی‌گری و سبیت‌آمورین دولت سعودی را هنگام قتل حاجی ایرانی نشان می‌دهد، سپس تاریخچه قتل و غارت و وحشی‌گری‌های وهابی‌ها را شرح داده و پیشنهاد

ص: ۹۴

می‌کند حوزه کعبه به یک سرزمین بی‌طرف مبدل گردد و عوایدی که از حاجیان جمع‌آوری می‌شود، به‌مصرف ساختن راه‌ها و مهمانخانه‌ها و وسایل تأمین آسایش و سلامت و پذیرایی مسافران و حجاج برسد و اضافه می‌نماید که فعلاً مسافرت مکه به کلی موقوف و ممنوع گردد و می‌نویسد، خانه خدا را از دور هم میتوان زیارت کرد.

روزنامه ایران مورّخه ۲۹/۱۰/۲۲

از این واقعه اظهار تنفر نموده و می‌نویسد: دولت ما وظیفه خود را انجام داده و باید آنرا تعقیب نماید و پس از آن نطق مرحوم مدرّس را که به‌مناسبت حمله وهابی‌ها به‌حجاز در مجلس شورای ملی ایراد نموده بود عیناً نقل نموده است.

روزنامه باباشمل مورّخه ۶/۱۱/۲۲

اشعاری فکاهی در خصوص وهابی‌ها و ابن‌سعود و درجه تمدن آنها درج نموده است.

روزنامه تهران مصوّر مورّخه ۳۰/۱۰/۲۲

در ضمن یک مقاله با لحن شدیدی به ابن‌سعود حمله نموده اشعاری هم در این خصوص منتشر ساخته است.

روزنامه رعد امروز مورّخه ۳۰/۱۰/۲۲

شدیداً به‌دولت سعودی حمله نموده و می‌نویسد: از دولت خواستاریم که اقدام پسندیده خود را در این باب تشدید نموده و یقین داشته باشد که هر رویه شدید و فوق‌العاده هم که در این باب

ص: ۹۵

اتخاذ نماید، افکار عمومی کاملاً پشتیبان و طرفدار و حامی او خواهد بود، ضمناً به‌واقع ۱۷ آذر ۱۳۲۱ اشاره نموده و مجازات مسئبین آنرا خواستار گردیده است.

روزنامه ستاره

۱- / مورّخه ۲۸ / ۱۰ / ۲۲

ضمن حمله به‌عمل دولت سعودی می‌نویسد: این سعود نقطه ضعف ملت حجاز را خوب تشخیص داده و به‌ظاهر به آنان فهمانده که مقررات اسلامی در کشورش اجرا می‌گردد، در صورتی که آنچه فعلاً در کشور حجاز حکومت می‌کند به‌همه چیز شباهت دارد غیر از قواعد اسلامی.

۲- / مورّخه ۲ / ۱۱ / ۲۲

اشاره به تلگراف آقای آقا سید ابوالحسن اصفهانی به‌اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و جواب آن نموده و پیشنهاد می‌کند دولت ایران با دولت سعودی قطع رابطه نماید و می‌نویسد:

از قطع رابطه با دولت سعودی آنها زیان می‌برند نه ایرانی‌ها و تحریم حج را نیز تقاضا دارد ضمناً می‌نویسد حکومت سعودی هتک حرمت خانه خدا را کرده و از نقطه نظر جامعه مسلمین حائز کمال اهمیت است، حکومت سعودی را مخالف با سنن و شعائر اسلامی دانسته و می‌گوید اهلیت ندارد که در مکه آمر مطلق باشد.

علاوه بر این همکاری سایر دول اسلامی را با ایرانیان در اعتراض به این عمل وحشیانه خواستار گردیده است.

ص: ۹۶

روزنامه صدای ایران

۱- / مورّخه ۲۸ / ۱۰ / ۲۲

به فداکاری ایرانیها در پیشرفت حقایق اسلامی اشاره نموده و می نویسد: این عمل با قتلِ حیثیت و اعدامِ شرافت یک ملت سر و کار دارد [و در نتیجه] اعتراض دولت را کافی ندانسته و می گوید:

ملت ایران باید از این واقعه عبرت بگیرد و غیرت ملی او به جوش آمده عکس‌العملی که شایسته قومیت و شخصیت او است از خود ابراز دارد.

۲- / مورّخه ۳ / ۱۱ / ۲۲

بطور مطابیه می نویسد که قصد ابن سعود اجرای قانون مجازات محکومین بوده است.

۳- / مورّخه ۵ / ۱۱ / ۲۲

صحنه قتل جوان ایرانی را ترسیم نموده و در ذیل آن شدیداً به دولت سعودی حمله نموده می نویسد خون طالب مانند خون سیاوش خواهد جوشید.

روزنامه فرمان

۱- / مورّخه ۲۷ / ۱۰ / ۲۲

از وزارت خارجه سؤال می کند چرا زودتر این خبر منتشر نشده و از عمل جنایت آمیز عمال دولت سعودی اظهار تنفر می نماید.

۲- / مورخه ۲ / ۱۱ / ۲۲

از تعصّب احمقانه و افکار ابلهانه ابن سعود نوشته و اظهار

ص: ۹۷

می‌دارد یک حس انزجار و تنفر بی‌نظیر این روزها در بین ایرانیان نسبت به دولت وهابی سعودی بوجود آمده است.

روزنامه کانون مورّخه ۶/۱۱/۲۲

شدیداً به ابن سعود حمله نموده و با اشاره به مهمان نوازی عرب و ورود ولیعهد حجاز به ایران و پذیرائی که از او به عمل آمده می‌نماید و پیشنهاد می‌کند که اگر خانه کعبه متعلق به عموم مسلمین نیست باید مسافرت به آنجا ممنوع و متروک گردد و اگر به عموم مسلمین تعلق دارد یا باید تولیت آن به اعقاب مرحوم سلطان حسین که اکنون در کشور عراق حکومت می‌کنند واگذار گردد و یا نمایندگان منتخب از طرف مجلس شورای ملی دول اسلامی زمان تولیت خانه کعبه را به عهده گیرند.

روزنامه کوشش

۱- مورّخه ۲۸/۱۰/۲۲

ضمن وصف چگونگی قتل حاجی ایران اظهار نظر می‌کند که چون خطر جانی برای زوار ایرانی در پیش است دیگر رفتن به مکه واجب نیست و خوب است علما رفتن به مکه را تا وضع چنین است تحریم کنند.

۲- مورخه ۲۹/۱۰/۲۲

از این عمل وحشیانه عمال دولت سعودی اظهار تنفر نموده و اشاره هم به زوار عتبات می‌نماید و ضمناً پیشنهاد می‌کند نمایندگان سیاسی ما باید به دولت عربی سعودی گوشزد کنند که تا جبران این

ص: ۹۸

واقعه را نمایند ناچار دولت ما روابط خود را قطع خواهد نمود و حج هم از طرف علما تحریم خواهد گردید.

روزنامه کیهان مورّخه ۲۸ / ۱۰ / ۲۲

می‌نویسد اگر جان ایرانیان واقعاً محترم است چرا در مقابل هزاران حادثه و مصیبت داخلی که به نفوس این کشور روی می‌نماید و به تلخی جان از آنان می‌ستاند توجهی نداریم.

روزنامه مردان کار مورّخه ۲۹ / ۱۰ / ۲۲

پس از اظهار تنفر از این اقدام دولت سعودی می‌نویسد: باید از رفتن به حج جلوگیری نمود، سفر حج برای مامورین کشور سعودی یک دکانی است که سالانه میلیونها از آن استفاده می‌کنند

روزنامه مشعل

۱- / مورّخه ۲۸ / ۱۰ / ۲۲

به عمل وحشیانه دولت سعودی شدیداً حمله نموده و می‌نویسد:

اعتراض دولت در مورد این اقدام بی‌رویه مامورین دولت سعودی کاملاً بجا و باید شدیداً تعقیب گردد و تحریم حج را پیشنهاد می‌کند نکته دیگر که تذکر می‌دهد عدم توجه مردم به مقررات و دستورات صادره دولت است و می‌نویسد باید مردم این مقررات و قوانین را رعایت کنند.

۲- / مورّخه ۱ / ۱۱ / ۲۲

با اشاره به آیات قرآن مطلب را شرح داده و ثابت می‌کند که

ص: ۹۹

عمال دولت سعودی بر خلاف شرع اقدام کرده‌اند و لازم است ایرانیان تا وقتی که تامین جانی ندارند به حج نروند ضمناً مجازات مرتکبین این عمل را به نحو شدید که مورد عبرت عامه و مصونیت زوار آتیه گردد خواستار شده است.

روزنامه مهر ایران

۱- / مورّخه ۲۹ / ۱۰ / ۲۲

شرحی درباره احساسات نفرت انگیزی که در تمام مردم از عمل وحشیانه و دور از انسانیت حکومت سعودی ایجاد گردیده بیان نموده و پس از آن می‌نویسد:

حکومت سعودی با این عمل ثابت کرد که لیاقت اداره امور حرم شریف مکه را ندارد و در حکومت مزبور احکام قرآن اجرا نمی‌شود بلکه قواعد دوره جاهلیت و قبل از اسلام در آنجا حکم فرما است.

ضمناً می‌نویسد: هر سال در حرمین شریفین کربلا ده‌ها هزار زوّار از عشایر و طوایف عراق هجوم می‌آورند و هزار گونه کثافت و پلیدی بجای می‌گذارند و بعد هم متولّیان به تطهیر آن امکنه می‌پردازند دولت عراق هم قتل نفسی برای این عمل مرتکب نمی‌شود.

نویسنده سپس حرم مکه را یک منطقه بین‌المللی اسلامی دانسته از دولت مصر و عراق نیز خواستار گردیده که با دولت ایران در اعتراض بر این عمل هم صدا شوند تا بدعت‌های دیگری بر

ص: ۱۰۰

خلاف اصول اسلام از طرف دولت سعودی ایجاد نگردد.

در پایان مقاله از دولت شاهنشاهی تقاضای قطع روابط سیاسی را می‌نماید و از علما نیز صدور حکم تحریم عزیمت به حجاز را خواستار گردیده است.

۲- / مورّخه ۲ / ۱۱ / ۲۲

چندین نمونه از رفتار عنیف مردم عربستان را با ایرانیان در زمان گذشته شرح داده و سپس اظهار عقیده می‌کند که تقصیر با مردم است که گوش به حرف دولت و روزنامه‌ها نمی‌دهند و به وسایل نامشروع و غیرقانونی متوسل شده به‌طور قاچاق به مکه می‌روند. آنگاه ترجمه ابلاغیه رسمی حکومت سعودی را چاپ کرده و آن را مورد بحث قرار داده و حاجی ایرانی را به‌موجب آن بی‌گناه دانسته و این ابلاغیه را سند بربریت حکومت سعودی می‌خواند.

وی از وزارت امور خارجه تقاضا دارد که متن عربی این سند با ترجمه آن را به زبانهای زنده دنیا برای کلیه دول مخصوصا دولتهای عربی اسلامی بفرستد و آنرا در معرض قضاوت افکار دولت‌ها قرار بدهد.

سپس اظهار عقیده می‌نماید که با این سند دولت سعودی در هر محکمه به‌استثنای محکمه خودش محکوم خواهد شد. علاوه بر این می‌نویسد: حاجیانی که برگشته‌اند نقل می‌کنند که امسال به ایرانی‌ها در مکه چیزی نمی‌فروختند و به آنها اهانت روا

ص: ۱۰۱

می‌داشتند و اذیت و آزار می‌کردند و حکومت سعودی تعمدی در سوء رفتار با ایرانیان داشته است.

روزنامه میهن پرستان

۱- / مورّخه ۲۸ / ۱۰ / ۲۲

ضمن اظهار این که در چنین روزگاری ثروت ایران نباید در خارج مصرف شود و تا وقتی که شکم ایرانی‌ها گرسنه است پول ایرانی نباید خرج اعراب سعودی شود از دولت تقاضای قطع رابطه با دولت سعودی و از علما درخواست تحریم حج را می‌نماید.

۲- / مورّخه ۲۹ / ۱۰ / ۲۲

در این شماره اعتراض سازمان دانشجویان دانشکده حقوق از طرف دانشجویان دانشگاه درباره قتل حاجی ایرانی با لحن شدیدی نسبت به دولت عربی سعودی چاپ شده است.

روزنامه ناهید مورّخه ۱ / ۱۱ / ۲۲

ایراد می‌گیرد که چرا نام و نشان و جزئیات مربوط به جوان یزدی مقتول را وزارت امور خارجه منتشر ننموده و اظهار نظر می‌کند که علما نمی‌توانند شرعاً حج را تحریم کنند.

این شماره، تلگراف اعتراض آمیز کرمانی‌ها را نیز در این خصوص منتشر کرده است.

روزنامه نجات ایران مورّخه ۳ / ۱۱ / ۲۲

پس از بیان فلسفه زیارت کعبه با لحن شدیدی به دولت سعودی و ابن سعود بد می‌گوید و می‌نویسد: ما از تمام مسلمین

ص: ۱۰۲

جهان انتظار داریم که نسبت به این شقاوت‌گری با ایرانیان در ابراز تنفر شرکت کنند و از دولت تقاضای اتخاذ تصمیمات موثر دارد از علما نیز درخواست نشان دادن عکس‌العمل‌های مؤثری را می‌نماید. تمهید ه الله اکبر را صدق الله العظیم ت نب الحمد لله شد؟؟؟

ص: ۱۰۸

تلاش مصر برای حل و فصل مناقشه

باتوجه به گسترش ابعاد مربوط به حادثه شهادت میرزا ابوطالب یزدی، دولت مصر تلاش می‌کند تا به شکلی موضوع خاتمه یافته، کار به قطع روابط نینجامد. سفیر ایران موضوع را این‌گونه شرح می‌دهد:

وزارت خارجه

امروز هفتم مارس (۱۶ اسفندماه ۱۳۲۲) در ساعت ۱۱/۲۵ به وزارت امور خارجه رفته با آقای صلاح‌الدین بیگ معاون وزارت امور خارجه ملاقات به عمل آمد. تلگراف شماره ۱۹۵۳ وزارت خارجه به ترتیب ذیل ابلاغ گردید:

وزارت خارجه از زحماتی که جناب آقای نحاس پاشا در قضیه قتل ابوطالب یزدی متحمل شده‌اند متشکر است. راجع به پیشنهاد اعلامیه سه‌جانبه که جناب نخست‌وزیر پیشنهاد کرده‌اند نظر دولت شاهنشاهی این است:

مادامی که قضیه قتل ابوطالب و توهینی که نسبت به ایرانیان شده است تصفیه نشده، دولت شاهنشاهی حاضر به امضای هیچ قراردادی با دولت سعودی نیست، بنابراین، پیشنهاد فعلاً مسکوت گذارده می‌شود. به‌علاوه دولت ایران نظر به احترام اظهار نظری که نحاس پاشا در تأخیر انداختن قطع رابطه با دولت سعودی نموده

ص: ۱۰۹

بودند، بیست روز دیگر بر مدت آن که اول یک ماه در نظر گرفته شده بود می‌افزاید. بنابراین چنان که تا ۲۶ مارس، ششم فروردین ۱۳۲۳ اقدام مساعدی در رفع این توهین و جبران قتل ابوطالب نشود، دولت مصمم است قطع هرگونه روابط سیاسی و اقتصادی با دولت عربی سعودی بنماید و نظر به این که این اتفاق در موقعی که نماینده دولت پادشاهی مصر، مأمور حفظ منافع ایران بوده به عمل آمده، دولت شاهنشاهی انتظار دارد از طرف جناب آقای نخست وزیر نحاس پاشا، جدیت و اهتمام بیشتری در حل قضیه و استرضای خاطر دولت ایران به عمل آید.

آقای صلاح‌الدین بیگ اظهار کردند که مراتب را به نحوی که ذکر شد، به اطلاع آقای نحاس پاشا فوراً خواهند رسانید. با اظهار امتنان خداحافظی نموده، به سفارت مراجعت نمودم.

یادداشتی هم که صورت آن در پرونده ضبط است بر طبق تلگراف شماره ۱۱۵۳ به دولت عربی سعودی توسط سفارتشان در مصر کتباً فرستاده شد. (۱) سفیر کبیر

تلگراف عبدالعزیز به شاه

در فروردین سال ۱۳۲۳ و در آستانه قطع روابط با دولت سعودی، عبدالعزیز بن سعود به مناسبت سال نو شمسی تلگرافی به

۱- شماره سند ۷۷، ح، ۲۲۴ و تاریخ ارسال آن ۱۶/۱۲/۱۳۲۲ است.

ص: ۱۱۰

این شرح خطاب به شاه ارسال می‌نماید:

با کمال مسرت از این فرصت استفاده نموده، به مناسبت سال جدید تمنیات خالصانه خود را برای سعادت آن اعلی حضرت و ملت نجیب ایران تقدیم می‌دارم.

عبدالعزیز

پاسخ شاه

شاه پاسخی مسالمت‌آمیز به این شرح خطاب به ملک عبدالعزیز ارسال می‌کند:

اعلی حضرت ملک ابن السعود پادشاه کشور عربی سعودی

از تبریکاتی که به مناسبت نوروز فرموده بودید، متشکرم و امیدوارم که دولت آن اعلی حضرت با پیشنهاد راه حل دوستانه و رضایت‌بخش، راجع به مسائل مورد بحث فیما بین، سعی دولت را برای تحکیم روابط دوستانه موجود بین دو دولت تسهیل خواهد کرد.

پاسخ عبدالعزیز

پادشاه سعودی از پاسخ حقیرانه شاه سوءاستفاده کرده، نامه‌ای به شرح پیوست خطاب به شاه ارسال و در آن بر صحت کار انجام شده تأکید می‌ورزد.

متن نامه این چنین است:

حضرت صاحب‌الجلاله شاه ایران

وصول تلگراف آن اعلی حضرت بهترین تأثیرات را برای ما حاصل و خدا را شکر می‌کنم که برای مسلمین پیشوایانی تجربه‌دیده مانند آن اعلی حضرت فرستاده که در اوضاع سختی مثل وضعیت فعلی در پیشرفت مصالح کشور خود اهتمام می‌نمایند و این فرصت را مغتنم شمرده، برای آگاهی خاطر خطیر ملوکانه برادر خود تذکر می‌دهیم که این واقعه اسف‌آور که در یک مکان مقدس و در مقابل هزاران هزار از مسلمین اتفاق افتاد مطابق حکم شرع شریف که در بلاد ما دربارہ خاص و عام نافذ و جاری است، رفتار شده و ما یقین داریم که اگر نظیر این امر در بلاد آن اعلی حضرت اتفاق می‌افتاد، حکمی را که طبق قوانین و مقررات کشور صادر شده است، هر طور آن اعلی حضرت مقتضی می‌دانند به موقع اجرا می‌گذارند و منظور از اجرای حکم شرعی به هیچ وجه لطمه و اهانتی به شرافت و حیثیت ملت دوست خودمان که هزاران نفر از ایشان را امسال در ایاب و ذهاب به مکه از چنگال مرگ در صحرا و بیابان نجات داده بودیم نبوده است و با استحضار خاطر اعلی حضرت برادر ارجمند به حقیقت مآوقع، که اشخاصی که مایل هستند از آب گل‌آلود ماهی بگیرند سعی در کدورت روابط مابین دو کشور می‌نمایند و پس از وقوف به نیک‌خواهی و صداقت ما یقین حاصل خواهید فرمود که اقدام ما از روی اضطرار و طبق نظامات کشور خودمان بوده و

ص: ۱۱۲

هیچ‌منظور دیگری جز اجرای حکم شرع و اطفای فتنه بین حجاج نداشته‌ایم و برای این که ممکن است در تلگراف اغلاطی حاصل شود، نامه مخصوصی به آن اعلی حضرت فرستادیم که از جریان امر به‌طور کامل و چنان‌که اتفاق افتاده استحضار حاصل فرمایند. با تقدیم سلام و احترامات

عبدالعزیز

فشار افکار عمومی در ایران و عراق، و اعتراض علما و مردم، به دو کشور اجازه نمی‌دهد تا راه حلی مسالمت‌آمیز را دنبال نموده، خون شهید میرزا ابوطالب یزدی پایمال شود. سفارت ایران در قاهره نیز در تاریخ ۱۴/۲/۱۳۲۳ نظر خود را به این شرح به وزارت امور خارجه ایران منعکس می‌نماید:

وزارت امور خارجه

تلگراف شماره ۱۶۰ واصل، با جناب آقای سید باقر کاظمی تبادل نظر گردید. قبلاً هم با نحاس پاشا و شارژدافر عربی سعودی مذاکره به‌عمل آمده است: اولاً اگرچه لحن تلگراف اعلی حضرت ابن‌السعود ملایم و دوستانه است، ولی در اصل موضوع که قتل ابوطالب یزدی باشد می‌گوید: حکم از محکمه شرع مطابق قانون محل صادر و اجرا گردیده است و نمی‌شود آن را تغییر داد. نحاس پاشا و سفیر کبیر انگلیس هم صریحاً به این جانب اظهار

ص: ۱۱۳

نموده‌اند دولت ابن‌السعود حاضر برای خواستن عذر، یا دادن وجهی به ورثه مقتول نمی‌باشد، بنابراین راه حلی جز به دو طریق به نظر نمی‌رسد:

اولاً برای سیاست داخلی و حفظ حیثیت، دولت باید قطع رابطه نماید، یا این که اگر دولت تصور می‌فرمایند که می‌تواند افکار عمومی را ساکت و راضی نماید همین تلگراف ملک ابن‌السعود را که نسبت به آینده تلویحاً مساعد است قبول نموده، موضوع را مسکوت‌عنه بگذارد.

نظر آقای کاظمی در قطع رابطه است. تصمیم قطعی در این باب بسته به نظر دولت خواهد بود. البته خود آقای کاظمی که فردا عازم تهران است حضوراً توضیحات لازمه را به عرض خواهد رسانید. (۱) سفیر ایران در مصر در تاریخ ۱۳۲۳/۴/۸ در نامه‌ای به وزارت امور خارجه، دیدگاه خود را نسبت به انجام تبلیغات ضدسعودی در روزنامه‌های مصر به این شرح به تهران مخابره می‌نماید:

وزارت امور خارجه

نامه محرمانه شماره ۱۰۹۲ مورّخه ۲۴ خرداد گذشته در خصوص قتل ابوطالب یزدی در مکه عزّ وصول بخشید، به طوری که

۱- شماره سند ۷۷، ح، ۲۵۱ و تاریخ آن ۱۳۲۳/۲/۱۴ است.

ص: ۱۱۴

دستور داده شده، اقدام خواهد شد، ولی تصور نمی‌کنم در انتشار این اخبار در مصر موفقیتی حاصل و در حل مسأله به طوری که منظور دولت است نتیجه به دست بیاید، زیرا در تمام مصر سانسور بسیار شدید موجود است. اداره سانسور قطعاً نخواهد گذاشت جمالتی به [بر علیه] عربی سعودی در روزنامه‌ها منتشر شود، چنان که برای مقاله‌ای که در روزنامه پروکراژپسین در تاریخ ۱۲/۵/۱۹۴۴ راجع به این موضوع به عنوان اقتباس از آژانس فرانسه از لندن منتشر کرد، فوراً مورد مؤاخذه سخت قرار گرفته و جوابی که قطعاً از طرف وزارت امور خارجه مصر القاء شده بود داده شد، که بر علیه ابوطالب یزدی و تأیید اقدام حکومت عربی سعودی بود. به طوری که در گزارشات سابق سفارت اشعار شده، در آن موقع جوابی از طرف سفارت داده شده و سانسور مانع انتشار آن گردیده است. این جانب نزد نحاس پاشا نخست‌وزیر رفته، شدیداً اعتراض و اظهار کردم، دولت مصر که حافظ منافع ایران در مکه بوده، برخلاف انتظار، علاوه بر این که مساعدتی در این قضیه اسف‌آور و برای حل موضوع نکرده، این تأثیر را می‌دهد که از اقدام خلاف انسانیت و عدالت سعودی‌ها تقویت دارد، جواب داد دولت مصر مسلمان و با هر دو کشور دوست است، میل ندارد یک مشاجره قلمی توسط جراید در این باب برپا و بالاخره باعث آشفته‌گی وضعیت بشود، این است که دستور داده است هیچ خبری در این موضوع منتشر نمایند.

ص: ۱۱۵

با این روحیه تصور نمی‌کنم اگر کنسول‌گری دمشق موفق به انتشار بعضی مقالات بشود، بگذارند در جرأید مصر منعکس شده و نتیجه از آن به‌دست بیاید.

دولت انگلیس هم که به آن اشاره فرموده‌اید: در مقابل اقدام دولت در تهران و مخلص در مصر پس از مراجعه سفارت کبرای انگلیس به لندن جواب دادند:

چون موضوع مذهبی است، دولت انگلیس میل ندارد مأمورین انگلیسی در این قضیه مداخله کنند.

وزیر مختار آمریکا هم به این جانب اظهار تأسف از وقوع قضیه نموده اظهار کرد: امیدوارم موضوع را بزرگ نکرده و احتراز از قطع روابط بین دولتین بشود، رویه آن‌ها هم با این اظهار وزیر مختار آمریکا معلوم شد. پس بنابراین مسأله باید بین ایران و دولت سعودی مستقیماً حل بشود.

به نظر این جانب اگر چنان که دولت شاهنشاهی تلگراف اعلی حضرت ملک عبدالعزیز را به اعلی حضرت، اطمینان بخش برای آتیه می‌دانند و به عقیده این جانب اطمینان بخش هم هست، با اطلاع آقایان علما، مفاد تلگراف ملک عبدالعزیز را منتشر و قضیه را ختم شده بدانند.

در صورتی که از نقطه نظر تأثیرات سویی که قتل ابوطالب یزدی در عالم شیعه کرده، دولت محظوراتی از نقطه نظر سیاست داخلی دارد، چون وسیله فشار دیگری دولت بر علیه حجاز ندارد،

ص: ۱۱۶

در ایران و عراق اعلام نمایند که چون دولت حجاز حاضر برای جبران این فاجعه عظیم نشده، دولت ایران تصمیم گرفته مادامی که این قضیه حل نشده مسافرت به حجاز را اکیداً قَدغن نماید، البته این امر اگر آقایان علمای عتبات هم مسافرت حج را تا مدتی تحریم نمایند، مؤثرتر و بهترین وسیله فشار خواهد بود.

حال به هرنحوی که دولت صلاح می‌دانند اقدام خواهند فرمود. منظور این است که دولت به هیچ وجه انتظار مساعدتی از طرف مصر و انگلیس و آمریکا حتی عراق نباید داشته باشد، زیرا تمام این دول، خود در این موقع منافی در حجاز دارند که موضوع ابوطالب را در درجه آخر قرار می‌دهند. (۱) سفیر کبیر

قطع روابط با سعودی

همانگونه که قبلاً گذشت آقای سیدباقر کاظمی در زمینه عکس‌العمل دولت ایران در برابر این حادثه، پیشنهاد قطع رابطه را مطرح کرد، وی در تاریخ ۲۴ / ۱ / ۱۳۲۳ مجدداً تلگرافی خطاب به آقای ساعد فرستاده می‌نویسد:

جناب آقای ساعد

قرار بود ششم فروردین روابط با کشور سعودی قطع

ص: ۱۱۷

شود، با جواب‌های حکومت سعودی و جریان امر، تأخیر بیش از این، مخالف مصالح عالیه و حیثیات ایران [بوده و] واجب است تلگرافاً امر فرماید فوراً روابط قطع و حفظ منافع به دولت عراق واگذار شود منتظر جواب.

سفیر ایران در عراق نیز می‌نویسد:

نامه شماره ۷۷/ح/۲۳۶ مورخ ۹/۱/۱۳۲۳... امّا عقیده اینجانب این است که از نقطه نظر سیاست داخلی و تأثیر عمیقی که این قضیه در افکار شیعیان تمام عالم نموده و باعث تنفر آنها شده است، اگر دولت تصمیم در قطع رابطه بگیرد خوب است؛ زیرا تنها وسیله جلوگیری از مسافرت ایرانی در سال آینده به حج خواهد بود، در صورتی که علمای بزرگ هم مادامی که تأمین در امنیت حجاج و مرمت این قضیه به دست نیاید، مسافرت به مکه را حرام نمایند و الّا ممکن است نتیجه مطلوب به دست نیاید و باز مثل امسال اشخاص به قاچاق و از راه‌های غیر مجاز به حج رفته اسباب اشکال شود. سفیر کبیر

سرانجام بر اساس پیشنهاد کارشناسان و پس از ردّ و بدل شدن نامه‌های دو کشور، در تابستان سال ۱۳۲۳ ه. ش. روابط ایران و عربستان قطع، و مصر حفاظت منافع ایران در عربستان و لبنان نیز حفاظت منافع عربستان در ایران را به عهده گرفتند. و این وضعیت تا سال ۱۳۲۶ ه. ش. ادامه یافت.

ص: ۱۱۸

نامه ملک عبدالعزیز به شاه

در خرداد سال ۱۳۲۶ ه. ش، ملک عبدالعزیز نامه‌ای به شاه نوشته، خواستار تجدید روابط و حلّ سوء تفاهمات گردید. متن نامه به

این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

از طرف عبدالعزیز بن عبدالرحمن الفيصل آل سعود

به اعلیٰ حضرت همایون محمدرضا شاه پهلوی معظم ...

پس از ادای سلام زحمت می‌دهد که جناب استاد عادل بیگ عسیران به ملاقات ما آمد و به سابقه وطن پرستی و احساسات اسلامی خود، در باب همکاری صمیمانه‌ای که در شرق اسلامی بین کلیه طبقات ملل ما جاری و حکم فرما است و همگی از آن مسرت داشته و بر هر یک از ما تحکیم آن روابط دوستانه و محبت آمیز و تسهیل جریان آن بین عموم که صلاح کشور و سعادت عالم انسانیت و موجب رفاه و خوشبختی همگی است لازم و واجب است سخن راند.

اینک نظر به این که ما هم اشتیاق کاملی به این موضوع داشته و مایل به تحکیم و تسهیل جریان آن می‌باشیم، کما این که در عین حال مایل به رفع کلیه موجبات سوء تفاهم بوده و مایل به تشیید مبانی دوستی و مودت بین کلیه ملل شرق هستیم، لهذا موجب کمال مسرت ماست که مناسبات دوستی قدیمی خود را که گردی از فترت

ص: ۱۱۹

بر آن نشسته بود، با دولت آن اعلیٰ حضرت تجدید نموده، که آب‌ها به مجاری سابق خود باز گردد و برای وصول به این منظور مقرر داشته‌ایم در همین نزدیکی، یعنی پس از بازگشت وزیر امور خارجه ما از آمریکا، وزیر مختاری در دربار آن اعلیٰ حضرت معین و برقرار نماییم که دوستی بین دو ملت را وصل و تشدید نماید، همچنان که خوشوقت خواهیم شد چنانچه آن اعلیٰ حضرت هم عین همین عمل را اجرا بفرمایند، تا امور بین دو کشور به حال طبیعی خود بازگشته و باب مودت و دوستی مانند گذشته برقرار شده و در آینده هم پایدار بماند.

اینک به مناسبت این پیش‌آمد فرخنده احترامات خالصانه و بهترین آرزوهای خود را به پیشگاه آن اعلیٰ حضرت تقدیم می‌دارم.

والسلام

در کاخ سلطنتی احساء

روز ۱۶ ذی‌قعدة سال ۱۳۶۶ قلمی گردید

عبدالعزیز السعود

پاسخ شاه به ابن سعود

شاه در تاریخ ۲۸/۷/۲۶ ه. ش پاسخی به این شرح برای پادشاه عربستان سعودی ارسال نمود:

اعلیٰ حضرت ملک ابن السعود پادشاه کشور عربی سعودی

نامه گرامی مورخ ۱۶ ذی‌القعدة الحرام ۱۳۶۶ که حاکی از

ص: ۱۲۰

اظهار اشتیاق آن اعلی حضرت به تجدید مناسبات دوستی و رفع کلیه موجبات سوء تفاهم و تصمیم به اعزام وزیرمختار به دربار ما بود زیب وصول بخشید، با علاقه تامی که ما و دولت ما مخصوصاً به دامنه روابط حسنه و تحکیم رشته‌های مودت بین ایران و کشورهای اسلامی داریم، از سوء تفاهم موجود بین دو کشور همواره ملالت خاطر داشتیم و بنابراین تمایل آن اعلی حضرت را با حسن قبول تلقی نموده و یقین داریم با توجه و اهتمام خاص آن اعلی حضرت و ورود وزیر مختاری که به دربار ما مأمور خواهد شد، دوره جدیدی در مناسبات دو کشور آغاز خواهد گردید، ما نیز به دولت خود امر و مقرر داشتیم متقابلاً در تعیین و اعزام وزیرمختار نزد آن اعلی حضرت اقدام شایسته به عمل آورد.

در خاتمه مسرت خاطر خود را از احساسات مودت آمیزی که نسبت به ما ابراز فرموده‌اید، به ضمیمه احترامات خالصانه خود به آن اعلی حضرت اظهار می‌داریم.

کاخ مرمر به تاریخ بیست و هشتم مهرماه یک هزار و سیصد و بیست و شش

سال هفتم سلطنت ما

عبدالعزیز علاوه بر نوشتن نامه، در مهرماه همان سال نیز هیأتی به ایران اعزام داشت که این اقدام زمینه را برای برقراری روابط فراهم ساخت.

ص: ۱۲۱

وزارت امور خارجه ایران سرانجام با توجه به زمینه‌های فراهم شده در تاریخ ۲۰/۴/۱۳۲۷ ه. ش. طی یادداشتی خطاب به سفارت کشور عربی سعودی اعلام کرد:

عطف به یادداشت شماره ۷۷/۲۷۶ و پیرو مذاکراتی شفاهی جناب آقای نوری اسفندیاری وزیر امور خارجه با آقای حمزه غوث وزیرمختار دولت سعودی، راجع به مسافرت اتباع ایران به کشور عربی سعودی به قصد حج، احتراماً خاطر نشان می‌سازد: نظر به تعهد دولت سعودی در تسهیل مسافرت حجاج ایرانی، دولت شاهنشاهی انتظار دارد تدابیر مقتضی از طرف مأمورین دولت عربی سعودی اتخاذ گردد که حجاج ایرانی از حداکثر تسهیلات ممکنه استفاده کرده و اجازه ندهند که نسبت به حجاج ایرانی در ادای مناسک حج و فرائض دینی آنها هیچ گونه مشکلی ایجاد شود و وسایل امنیت و آسایش و اطمینان آنها را فراهم نماید. (۱) سفارت سعودی نیز در پاسخ به این نامه نوشت:

سفارت عربستان سعودی با تقدیم احترامات به وزارت خارجه شاهنشاهی مفتخراً در پاسخ یادداشت شماره ۱۶۰۶۰/۱۴۸۸/۴ مورخ ۲۰/۴/۱۳۲۷ اعلام می‌دارد که دولت عربستان سعودی نهایت کوشش خود را برای محافظت و تأمین آسایش حجاج به کار می‌برد و حجاج ایرانی را نیز مانند دیگر حجاج مشمول این محافظت و

۱- شماره سند ۱۶۰۶۰/۱۴۸۸-۴ و تاریخ ارسال آن ۲۰/۴/۲۷ است.

ص: ۱۲۲

نگاهداری می‌سازد و به هیچ وجه مایل نیست کوچک‌ترین زیان و آسیبی به ایشان وارد شود. دولت برای سلامت حجاج تمام تدابیر مقتضی را به کار برده و انجمن مخصوصی نیز برای قبول مراجعات حجاج و تأمین راحت و آسایش و تسهیل امور آنان تعیین کرده است. سفارت سعودی این فرصت را برای تجدید احترامات فائمه مغتنم می‌شمارد. (۱) و بالأخره از سال ۱۳۲۷ ه. ش. ممنوعیت حج برداشته شد و بار دیگر روابط سیاسی ایران و عربستان برقرار گردید.

گزارش آقای علی سپهری

حال در پایان این نوشتار به نقل برخی گزارش‌های مکتوب، مربوط به حادثه شهادت مرحوم میرزا ابوطالب یزدی می‌پردازم باشد تا برای محققان مفید و مورد استفاده قرار گیرد:

۱- نامه آقای علی سپهری اردکانی مؤلف کتاب تاریخ اردکان به نگارنده در تاریخ ۷ / ۱۱ / ۷۹ شرح ماجرا از زبان همسر مرحوم میرزا ابوطالب:

جناب آقای قاضی عسکر زید توفیقه

از اینکه چند روزی تأخیر شد می‌بخشید چون می‌خواستم سند جدیدی پیدا کنم که متأسفانه تاکنون بدست نیامده و در صورت پیدا

۱- شماره سند ۷۶، ۲، ۸۹ و تاریخ آن ۱۱ / ۹ / ۱۳۶۷ ه. ق است.

ص: ۱۲۳

شدن در اسرع وقت خدمتتان تقدیم می‌دارم اما آنچه که از قول همسر او به یاد دارم و این صحبت بعد از چاپ تاریخ اردکان بوده بدین شرح است:

در سال ۱۳۲۲ سه نفر به نام‌های ابوطالب فرزند حاج حسین مهر علی و حاجی غلام معصومی معروف به پهلوان و حاجی قلی، به قصد زیارت خانه خدا از اردکان حرکت نمودند و ظاهراً کاروان هم نبوده و مبلغ ۵ هزار تومان پول، که کلاً سکه بوده و سکه‌های آن روز کمتر از ده ریالی بوده و یک سر خورجین الاغ‌شان پر شده بود، از اردکان حرکت می‌کنند و از راه خرمشهر به کویت می‌روند و از آنجا با شتر به مکه می‌روند.

ابوطالب با اینکه جوان و پر قدرت بوده اما هر گاه آبگوشت کله پاچه می‌خورده دچار ناراحتی می‌شده و همانگونه که نوشته‌ام هنگام بیرون رفتن از خانه قرآن را باز کرده و سوره یوسف آمده که او با نگرانی منزل را ترک کرده و همسرش می‌گفت حتی چند روز قبل از حرکت هم نگران بوده است.

خلاصه به مکه می‌رسند و اعمال عمره تمتع را به جای می‌آورند و اعمال هم درست بلد نبودند و از یک روحانی می‌پرسند و سپس چند روزی در مکه می‌مانند تا روز هشتم ذی حجه که به عرفات می‌روند و اصولاً چون سواد نداشتند، چندان اطلاع دقیقی از مناسک نداشتند و حتی حاجی قلی همسفر او شاید هم به علت پیری درست نمی‌دانست که چند روزی در منی بوده به هر حال پس

ص: ۱۲۴

از قربانی کردن، کله پاچه گوسفند را برداشته به همراه جگر و سیرابی آن پخته و می‌خورند و بالطبع ابوطالب که در اردکان از خوردن چنین غذائی مریض می‌شده آنجا وضع بدتری پیدا می‌کند.

[این حادثه] احتمالاً- روز دهم یا یازدهم بوده، زیرا حاجی قلی می‌گفت دو روز بیشتر در زندان نبوده و روز دوازدهم ذی حجه گردن او زده شده بهر حال حاجی قلی می‌گفت عصر بوده که برای طواف رفته بودیم و من طواف کرده و در حجر اسماعیل مشغول خواندن نماز بودم که ابوطالب در حالیکه ناراحت بود آمد و گفت من حالم خوب نیست بیا برویم منزل و من گفتم اینجا بنشین تا من دو رکعت نماز بخوانم و سپس برویم منزل، او در کنار حجر اسماعیل نشست و من دو رکعت نماز خواندم و چون بلند شدم، ابوطالب که بی حال شده بود و کنترل هم از دستش بیرون رفته و حال وی به هم می‌خورد (توضیح اینکه بخاطر خوردن کله پاچه چنین حالتی به او دست داده است).

همسرش می‌گفت که استفراغ کرده لذا احرامیش را جلو دهانش گرفته تا روی زمین نریزد. فوراً مصری‌ها جریان را اطلاع داده ابوطالب دستگیر و بازجوئی می‌شود. چون زبان هم نمی‌دانسته هر چه می‌گفتند، فقط می‌گفته نه، البته بعضی نقل‌ها در اردکان این بود که از او پرسیده‌اند که مریض هستی گفته نه!! حاجی قلی می‌گفت پس از دستگیری، ما به همراه مامورین به زندان رفتیم و مرتب این دو روز به ملاقاتش می‌رفتیم و غذا و چیزهای مورد نیاز

ص: ۱۲۵

را برایش می‌بردیم و او فقط می‌گفت یک کار کنید مرا نجات دهید، و ماموران می‌گفتند فردا خلاص. ما گمان می‌کردیم خلاص، یعنی آزاد می‌شود، اما روز دوم که رفتیم به اتفاق ما او را از زندان بیرون آوردند و با هم به بازار صفا و مروه رفتیم و اصلاً فکر نمی‌کردیم، که دیدیم او را نشانند و با شمشیر گردنش را از پشت زدند. حاجی غلام پهلوان که غش کرد افتاد و بعد از به هوش آمدن فرار کرد. اما من به دنبال جسد ابوطالب رفتم و جسد را گرفتم و به اتفاق یک نفر روحانی او را بردیم غسلش دادیم و در قبرستان ابوطالب دفن کردیم.

خبر این حادثه در اردکان موجی از غم و اندوه در برداشت و حتی بعد از مدتی چند نامه از وزارت خارجه برای خانواده ایشان آمده که متأسفانه نامه‌ها پیدا نشد. به هر حال این جریان باعث گردید که چند سال حج از طرف ایرانی‌ها تعطیل گردد و ظاهراً در سال ۱۳۲۷ بار دیگر ایرانی‌ها به حج عزیمت می‌کنند و والده اینجانب در آن سال به مکه مشرف شده، هیچ بحثی از ابوطالب به میان نیامده و حتی قبرش نیز نامشخص بوده است.

بقیه مطالب را می‌توانید از کتاب تاریخ اردکان و کتاب با ما به خانه خدا بیابید استفاده نمائید.

در خاتمه سعادت و سلامتی و توفیق روز افزون حضرت‌عالی را از خدای بزرگ خواستارم با تشکر فراوان

علی سپهری اردکانی

ص: ۱۲۶

۲- نقل ماجرا در کتاب تاریخ اردکان

یکی از جریان‌های سیاسی مرموزی که در سال ۱۳۲۲ شمسی اتفاق افتاد و علت واقعی آن هیچگاه روشن نشد ماجرای گردن زدن ابوطالب اردکانی بود.

وی که یک کشاورز ۲۵ ساله (۱) اردکانی بود و ۵ سال بوده که از ازدواجش می‌گذشت در آن سال به اتفاق دو نفر دیگر (آقایان حاجی غلام معصومی معروف به پهلوان و حاجی قلی) راهی زیارت خانه خدا گردید و هنگام خروج از منزل، قرآن را باز نموده و بر حسب اتفاق به آیه‌ای از قرآن برخورد که بیان‌کننده ماجرای حضرت یوسف بود و ابوطالب با ناراحتی به همسر و دیگر بدرقه‌کنندگان گفت من به سرنوشت یوسف دچار می‌شوم. (۲) اما بدرقه‌کنندگان به او دل‌داری داده می‌گفتند سفر حج سختی زیاد دارد و آیه قرآن نشان‌دهنده این سختی‌ها می‌باشد.

به هر حال ابوطالب راهی مکه گردید و در جریان طواف به علت بیماری به استفراغ مبتلا گردید و برای احترام خانه کعبه بلافاصله احرامی خود را جلوی دهان گرفت و در نتیجه احرامیش

۱- در گزارش‌های مربوط به وزارت امور خارجه، سن ابوطالب بیست و دو سال ذکر شده است.

۲- همسر ابوطالب در سال ۱۳۷۲ به همراه مؤلف کتاب تاریخ اردکان به مکه معظمه مشرف شده بود و پس از ۵۰ سال در طول سفر مرتب از ابوطالب یاد می‌کرد و جریان را برای مؤلف اینگونه بیان نمود.

ص: ۱۲۷

آلوده شد، اما مانع از کثیف شدن خانه کعبه گردید و در این موقع چند نفر که بنا به نوشته کتاب با من به خانه خدا بیایید (۱) و از شخص ثالثی پول گرفته بودند، شهادت دادند که ابوطالب قصد کثیف کردن کعبه را داشته است و ابوطالب بیچاره بازداشت گردید و سپس در دارالقضاء شرعی محاکمه و به اعدام محکوم شد و در روز دوازدهم ذی الحجه که سالروز به قدرت رسیدن آل سعود است و به همین مناسبت جشنی در مکه برگزار گردید و ملک عبدالعزیز با تشریفات خاصی به حرم آمد و پس از برگزاری نماز ظهر با جماعت، حکم اعدام ابوطالب را به دست وی داده، پس از مطالعه آن را تأیید نمود و آنگاه از مسجد الحرام خارج شد! و دو ساعت بعد ۵۰ نفر پاسبان ابوطالب را در حالی که دستبند به دست‌هایش زده بودند، از مرکز پلیس خارج و به جلوی بازار صفا و مروه آوردند و در میان جمعیت مقابل سکوی مجازات قرار دادند.

جلاد رسمی دولت سعودی که یک نفر سیاه‌پوست بلند قامت بود ابوطالب را چهار زانو روی زمین نشانده و بازوان او را بر محوری ثابت بسته و سپس به دستش دستبند زد، جمعیت در میدانی که نزدیک دارالقضاء شرعی بود جمع شده و منتظر اجرای حکم بودند.

ترجمه فرمان قتل که به زبان عربی قرائت شد چنین است:

۱- تألیف خلیلی عراقی.

ص: ۱۲۸

ابوطالب از شیعیان ایرانی چون در احرام خود نجاست کرده و می‌خواست دور خانه کعبه بریزد، دستگیر شد و به این مناسبت فرمان قتل او که به گواهی امیر رسیده است اجرا می‌شود.

سپس جلاد سر به گوش ابوطالب گذارده آخرین دقیق زندگی را به عربی به او یادآور می‌شود و ابوطالب که تا آن لحظه نه مفهوم محاکمه را فهمیده بود و نه از متن حکم که به زبان عربی قرائت می‌شد چیزی می‌فهمید، ساکت و آرام نشسته نگاه به جمعیت دوخته بود که ناگاه جلاد با نوک نیزه فشاری به پشت گردن ابوطالب وارد می‌سازد.

بر اثر تصادف نوک نیزه، خون جاری و ابوطالب از ترس، سرش را جلو می‌برد و در همین لحظه جلاد با یک ضربه شمشیر بزرگی که در دست داشت بر گردن او فرود می‌آورد، گردن به وضع فجیعی بریده شد، ولی استخوان حلق مانع از قطع شدن سر می‌شود. اما بلافاصله شمشیر برای بار دوم به حرکت درآمده سر از گردن جدا و روی پای ابوطالب می‌افتد و بنا به گفته همسرش آخرین کلمه‌ای که ابوطالب بر زبان آورده پس از گفتن *إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ* این جمله بود: «آخر شما کار خودتان را کردید». بلافاصله دو اتومبیل در محل حاضر می‌شود و یکی سر جدا شده و بدن را به پزشک قانونی منتقل می‌نماید و دیگری با ریختن شن درصدد از بین بردن آثار جنایت برمی‌آید.

ص: ۱۲۹

شیخ علی اصغر یکی از حجاج ایرانی است که برای رضای خدا داوطلب به خاک سپردن این شهید می‌شود. پلیس سعودی به شیخ علی اصغر خبر می‌دهد که جنازه برای تحویل حاضر است.

وقتی که به پزشک قانونی می‌روند، متوجه می‌شوند که سرابوطالب را معکوس روی بدن گذارده و دوخته‌اند. زیرا وهابی‌ها عقیده دارند این قبیل گنهکاران را بایستی پس از قتل، با سر معکوس در قبر گذارد تا هنگام محشر از دیگران تشخیص داده شوند!! مسخره‌تر از همه این صحنه‌ها مطالبه دستمزد برای دوختن سر بوده است!

به شیخ علی اصغر می‌گویند: ۶۵ ریال سعودی دستمزد بخیه زدن سر به بدن را پرداخت کند تا جسد تحویل و اجازه حمل داده شود! شیخ علی اصغر عصبانی شده، فریاد می‌زند: پول را بایستی کسی بدهد که فرمان قتل داده است!

بالآخره بدون پول ولی با مجادله، جسد را تحویل و در قبرستان شهدا دفن می‌کنند.

روزنامه عصر آن روز مکه، خبر را به این طریق در صفحه اول خود منعکس ساخته بود

«دستگیر کردیم ابوطالب ایرانی از اهالی یزد که از شیعه‌های ایرانی است و برداشته بود کتافات آدمی را و می‌خواست دور کعبه بریزد و ثابت شد جرم او به اعدام و به امضاء ملک عبدالعزیز سعود حکم اعدام بموقع اجرا گزارده شد».

ص: ۱۳۰

تصویر؟؟؟

ابوطالب یزدی (اردکانی) در حالی که جلاد آخرین دقایق زندگی را به زبان عربی به او یادآور می‌شود.

تصویر؟؟؟

سر ابوطالب یزدی، در حالی که در دامنش افتاده و خون از گلویش فوران می‌کند.

ص: ۱۳۱

خبر شهادت ابوطالب موحی از خشم و ناراحتی را در میان شیعیان جهان به وجود می‌آورد. حضرت آیه‌الله سید ابوالحسن اصفهانی که در کربلا مقیم بود واکنش شدید نشان داد و اهالی نجف و کربلا هر یک به طریقی ابراز انزجار خود را از این عمل نشان دادند و در ایران عزای عمومی اعلام و در اکثر شهرها مجالس ختم برگزار گردید و رابطه ایران و سعودی قطع گردید و مدت چهار سال دولت ایران از اعزام حج‌اج ایرانی به مکه خودداری نمود و در اردکان که محلّ زندگی ابوطالب بود، موحی از غم و ناراحتی به وجود آمد و خانواده‌اش که منتظر بازگشت وی بودند، پس از مطلع شدن از جریان، یک پارچه منقلب گردیدند و دو خواهر وی در مدت کوتاهی جان خود را از دست دادند و مردم اردکان نیز با برگزاری مراسم ختم و عزاداری، یاد آن شهید مظلوم را گرامی داشتند. (۱)

۳- شرح ماجرا به نقل از کتاب «با من به خانه خدا بیاید»

وقتی که گردانندگان سیاست تصمیم میگیرند ...

هیجده سال پیش یعنی در سال ۱۳۲۲ واقعه جان‌خراشی را دست سیاست ایجاد و با گردن زدن یک بی‌نوی ایرانی، روابط

۱- کتاب تاریخ اردکان، تألیف علی سپهری اردکانی، انتشارات حنین اردکان، ۱۳۷۴ ه. ش. ص ۶۵ تا ۶۸.

ص: ۱۳۲

فیمابین کشور سعودی و ایران را قطع و برای چند سال مانع از حرکت حجاج ایران به مکه گردیدند و در نتیجه اولیاء کشور سعودی، قران داغ شده از مبالغ قابل توجهی منافع محروم شدند.

آنها در مقابل گردانندگان سیاست چه کرده بودند من نمی دانم فقط آنچه مسلم است وقوع این صحنه به قیمت جان ابوطالب یزدی حاجی ایرانی تمام شد.

با این که هجده سال از آن تاریخ می گذرد ولی چون قسمتی از تاریخ روابط ما و آنها می باشد بد نیست بدانید تا طلب مغفرتی هم برای آن حاجی شده باشد. گوش کنید تا صحنه آنرا از چند ساعت قبل از وقوع شرح دهم:

روز ۱۲ ذیحجه هر سال یک جشن عمومی است، زیرا در چنین روزی خاندان سعودی موفق گردیده اند که دست خاندان شریف یا به قول خودشان شرفا را از حکومت مکه قطع و جانشین آنها شوند.

در این روز فرزندان ابن سعود که در هر حال تعدادشان زیاد است با عده ای که همراه دارند، در خیابان حرکت و با پرچم سبز و شمشیرهای برهنه (نوحه نصر) می خوانند.

آن روز که این واقعه اتفاق افتاد، جمعه (۱۲ ذیحجه ۱۳۶۲ هجری هیجدهم دیماه ۱۳۲۲ شمسی و ۱۰ دسامبر ۱۹۴۳ میلادی) بود نمایش دهندگان دسته جمعی به کاخ ملک عبدالعزیز بن سعود رفته شاه را از کاخ سلطنتی خارج و به طرف خانه کعبه آوردند تا به

ص: ۱۳۳

شکرانه این روز نماز جماعت ادا شود.

ابن سعود به طرف خانه کعبه می‌آید

ساعت ۱۱/۵ ماشین سیستم ۱۹۴۲ پادشاه حجاز از بیرون دروازه عرفات بداخل شهر وارد شد.

دو نفر سیاه‌قد بلند طرفینِ رُکاب ماشین ایستاده، دستی به شیشه ماشین نگاه داشته و با دست دیگر اسلحه‌های خود را به طرف جمعیت نگاه داشته بودند.

جلوی این ماشین هم یک ماشین مجهز به مسلسل سبک و پشت سر آن یک اتوبوس سربازان وهابی و هشت اتومبیل شیوخ عشایر بود.

ماشین سلطنتی جلوی باب السلام متوقف و پادشاه حجاز در میان صف سربازان مسلح از اتومبیل خارج و به طرف مقام ابراهیم رهسپار گشت.

فقط نماز ظهر ادا شد پادشاه پیش‌نماز و حجاج مختلف و اهالی آن سامان که در آن ساعت در خانه کعبه بودند، به ابن سعود اقتدا نموده نماز این روز پایان یافت. پس از نماز ورقه‌ای برای مطالعه پادشاه ارائه و او پس از چند دقیقه مطالعه، صحنه بر روی آن گذارده و بدین طریق فرمان را توشیح کرد!!!

هیچ کس نفهمید که فرمان جدید چه بود و پس از اداء نماز، پادشاه با همان تشریفات از خانه کعبه خارج و به کاخ سلطنتی خویش مراجعت نمود.

ص: ۱۳۴

این فرمان که پس از نماز و در خانه کعبه به امضاء رسید، حکم ناجوانمردانه قتل ابوطالب یزدی حاجی ایرانی بود که به وسیله قاضی شهر مکه رأی آن صادر و پس از موافقت ابن سعود به مورد اجرا گذارده می‌شد. فرمان قتل بدین طریق اجرا شد.....

صحنه ساختگی از این قرار بود که، چند نفر مصری شهادت می‌دهند که ابوطالب یزدی را دیده‌اند که در داخل احرام خود نجاست نموده می‌خواسته است به منظور هتک احترام خانه کعبه نجاست را اطراف خانه بریزد!!!

بلافاصله محکمه تشکیل و فی‌المجلس رأی گردن زدن ابوطالب صادر و به آن طریق که دیدیم به امضاء پادشاه رسید.

جلوی بازار صفا و مروه، آنجا که حریم امنیت برای حیوانات است، دو ساعت پس از مراجعت امیر از خانه کعبه، ۵۰ نفر پاسبان و افسر پلیس ابوطالب را در حالی که با دست‌بند بوده است، از مرکز پلیس که در همان نزدیکی است خارج و در میان جمعیت جلوی سکوی مجازات قرار می‌دهند.

جلاد رسمی دولت سعودی، که یک نفر سیاه پوست بلند قامت بود، ابوطالب را چهار زانو روی زمین نشانده و بازوان او را بر محوری ثابت بسته و سپس به دستش قفل زد.

جمعیت در میدان که نزدیک دار القضاء شرعی بود جمع شده و منتظر اجرای فرمان بودند.

ص: ۱۳۵

فرمان قتل به زبان عربی قرائت و ترجمه آن بدین قرار است:

«ابوطالب از شیعیان ایرانی چون در احرام خود نجاست کرده و می‌خواسته دور خانه کعبه بریزد، دستگیر شد و به این مناسبت فرمان قتل او که به گواهی امیر رسیده است اجرا می‌شود.»

ابتدا جلاّد با نوک نیزه فشاری به پشت گردن ابوطالب وارد می‌سازد، بر اثر تصادف نوک نیزه، خون خارج و ابوطالب از ترس سرش را جلو می‌برد و در همین لحظه جلاّد با یک ضربه شمشیر بزرگی که در دست داشت بر گردن او فرود می‌آورد، گردن با وضع فجیعی بریده‌شده ولی استخوان حلق مانع از قطع سر می‌شود شمشیر دوم به حرکت درآمده سر از گردن جداوروی پای ابوطالب می‌افتد ...

سر مقتول را چرا واژگون دوخته‌اند؟

بلافاصله دو اتومبیل در محل حاضر می‌شوند، اتومبیل اول متعلق به صحیحّه بوده، سر جدا شده و بدن بند زده ابوطالب را، به پزشکی قانونی می‌برند. اتومبیل دوم، کامیون شهرداری بود که با ریختن شن خون‌های جاری شده را پاک و آثار جنایت را از میان برداشتند ...

شیخ علی اصغر تهرانی، یکی از حجاج ایرانی بود که برای رضای خدا داوطلب به خاک سپردن این شهید می‌شود، پدر زن ابوطالب و دو برادرش نیز در این سفر همراه بوده‌اند.

مطالبه دستمزد دوختن سر بریده

مسخره‌تر از همه این صحنه‌ها مطالبه دستمزد برای دوختن سر

ص: ۱۳۶

بوده است.

به شیخ علی اصغر تهرانی می گویند: ۶۵ ریال سعودی که معادل ۱۰۴ تومان آن وقت بوده است دستمزد بخیه زدن سر را به بدن پرداخت کنند تا جسد تحویل و اجازه حمل داده شود!!!

شیخ علی اصغر عصبانی شده و فریاد می زند، پول را بایستی کسی بدهد که فرمان قتل داده و بالاخره بدون پول، ولی با مجادله جسد را تحویل و در قبرستان شهداء دفن می کنند.

علل سیاسی این صحنه

بدین ترتیب تراژدی حزن انگیز قتل ابوطالب ایرانی پایان یافته و شایع است که پنج نفر مصری که شهادت بر این کار داده بودند، از شخص ثالثی پول دریافت و شهادت دروغ داده‌اند تا این صحنه‌ها ایجاد شود.

روایت دیگری هم وجود دارد که می گویند: ابوطالب حالش بهم خورده به محض اینکه می خواهد استفراغ کند، به احترام خانه کعبه در احرام خود استفراغ می کند و از این جریان چهار نفر هندی سنی استفاده برده و شهادت می دهند که او نجاست آورده بود تا دور خانه کعبه بریزد. ولی عده‌ای که مسائل را از دریچه چشم سیاست نگاه می کنند، معتقد هستند که ضمن این جریان چند مسئله را نبایستی دور داشت و بعید نیست که یکی از مسائل شش گانه زیر سبب وقوع این صحنه باشد:

وضعیت سیاسی عربستان سعودی با مصر و هندوستان.

ص: ۱۳۷

نظریات این دو کشور در آن زمان نسبت به ایران. قضیه خلافت مسلمین که در آن موقع فاروق خود را برای آن کاندید کرده بود. فکر بین‌المللی کردن حکومت مکه. مسئله نفت عربستان و آمریکا و مخالف بودن دولت انگلیس با آن. جلوگیری از خروج پول ایران به کشور سعودی به منظور در مضیقه قرار دادن اولیاء کشور سعودی، آنچه مسلم است اولیاء کشور سعودی با این عمل قلوب ایرانیان را جریحه دار و به حریم امنیت خانه کعبه تجاوز نمودند. اهالی نجف و کربلا هر یک به طریقی ابراز انزجار و حتی مدتی از فروش جنس به وهابی‌ها خودداری میکنند. مرحوم آقا سید ابوالحسن اصفهانی نیز که در آن موقع از نجف به کربلا- رفته بود واکنش شدیدی نشان داده و عمل او موجب تقویت فکر جلوگیری از حرکت حجاج ایرانی به آن سامان شد. دولت ایران نیز چهار سال مقاومت نموده از حرکت حجاج جلوگیری و ضمن این مدت اگر مسافرتی شد به طریق قاچاق و به کمک حمله‌داران بوده است تا سرانجام سردمداران سیاست وسط افتاده، فیما بین دولتین را آشتی و راه مکه بار دیگر برای ایرانیان باز شد. (۱)

۱- با من به خانه خدا بیایید، محمدرضا خلیلی، صص ۴۹۱ تا ۴۹۵.

ص: ۱۳۹

۴- گزارش حادثه از زبان مرحوم شیخ علی نخودکی

در نیمه دوم سال ۱۳۲۲، حاج شیخ به همراه همسرش بی بی زهرا و فرزندش شیخ محمد و همسر او بی بی صاحب و خانواده حاج محمد کهدویی راهی سفر مکه شدند. برگزاری مراسم آن سال مصادف بود با یکی از تلخ‌ترین روزهای تاریخی برای حجاج بیت الله الحرام؛ روزی که ابوطالب اردکانی (یزدی) در حین برگزاری مناسک حج و دگرگونی حالت جسمانی دچار تهوع شد و کارگزاران دولت سعودی او را به گناه توهین به خانه خدا، دستگیر و سپس گردن زدند.

حاج محمد آقا، پسر آیت الله حاج آقا حسین قمی، که برای هر کاری از حاج شیخ کسب تکلیف می‌کرد، به ایشان مراجعه کرد که درباره قتل ابوطالب چه کنیم؟ حاج شیخ گفت: فعلاً نباید کاری کرد؛ مگر دیروز ندیدی که در عرفات، مسلسل‌ها را برای ما آماده کرده بودند! از سوئی ما قاچاقی آمده‌ایم و باید ببینیم آقا سید ابوالحسن اصفهانی چه می‌گویند؟ پس دوستان ریال به محمد آقا قمی داد که برود کسی را بیابد تا گردن ابوطالب اردکانی را به بدنش بخیه کنند و سپس او را دفن نمایند.

مسافران پس از سفر بیست روزه به مکه، هنگامی که قصد بازگشت داشتند، باخبر شدند آن شرکت مسافری، که با آن به مکه آمده بودند و متعلق به عبدالرزاق شامی بود، ورشکست شده است،

ص: ۱۴۰

از این رو بی‌وسیله شدند و به‌ناچار حاج شیخ و همراهان به مدینه رفتند، مردم مدینه به محض دیدن وی، به دور ایشان حلقه زدند و خواستار ماندن او در مدینه شدند، حاج شیخ به این شرط قبول کرد که حاجی بی‌بی زهرا (همسرشان) راضی باشد تا در مدینه بماند.

وی در این مدت در یکی از مساجد مدینه نماز جماعت اقامه می‌کرد و به منبر می‌رفت (۱)

۵- گزارش بخشی از مسائل در بیستمین سالنامه دنیا

من (۲) علاوه بر سمت سفارت کبرای ایران در مصر، عنوان وزیر مختاری ایران در عربستان سعودی را هم دارا بودم و قصد داشتم برای تسلیم استوار نامه‌های خود به عبدالعزیز بن سعود پادشاه عربستان، به آن کشور بروم که خبر رسید یکی از حجاج ایرانی بنام ابوطالب یزدی را که در مسجد مکه معظمه دچار کسالت شده بود و بی‌اختیار مقداری آب دهان خارج ساخته بود دستگیر نموده و به‌دستور قاضی شرع مکه در بازار مکه سر بریده‌اند.

سر بریدن حاجی ایرانی باعث قطع رابطه بین ایران و عربستان سعودی شد و من چند نامه تند و شدید‌الحن، برای وزیر مختار عربستان سعودی مقیم قاهره فرستادم و به این عمل دور از انتظار، که

۱- تندیس پارسایی، صص ۷۹ و ۸۰.

۲- نویسنده مقاله آقای ساعد است.

ص: ۱۴۱

روح اسلام را جریحه‌دار ساخته است اعتراض نمودم. ملک فاروق هم قصد وساطت داشت و با من هم در این خصوص صحبت نمود ولی من به هیچ وجه حاضر نبودم تا قبل از عذر خواهی رسمی دولت عربستان از دولت ایران خواستار تجدید روابط شوم. دولت عربستان سعودی به اطلاع فاروق رسانیده بود، گزارش ماموران امنیتی مسجد الحرام حاکی بود چون ابوطالب یزدی شیعه بود، با عمل قبی و استفراغ قصد اهانت به جماعت تسنن داشت و از همین نظر قاضی شرع مکه حکم به جدا کردن سر از بدن ابوطالب داد. این استدلال درحقیقت بی پایه بود.

چندی نگذشت که خبر دادند عبدالعزیز بن سعود پادشاه عربستان، برای بازدید از ملک فاروق سفری به مصر خواهد کرد، البته فاروق چندی قبل از آن به ریاض سفر نموده بود و با ابن سعود ملاقات کرده بود.

چند روز بعد اطلاع یافتم شاید سفر ابن سعود انجام نشود، برای این که گزارش‌هایی به او رسیده بود که شاید افراد لژیون عرب که تحت ریاست و فرماندهی گلوب پاشا انگلیسی می‌باشند قصد جان او را بکنند. به هر حال قرار شد ابن سعود با عده بیشتری از فدائیان مسلح خود وارد مصر شود و مراقبت از جان او هم به عهده همان فدائیان واگذار گردد.

قصر زعفران را برای اقامت ابن سعود در نظر گرفتند و پادشاه عربستان سعودی در حالی که ملک فاروق به پیشواز او رفته بود وارد

ص: ۱۴۲

قاهره شد، ابن سعود هجده تن از پسرهای خود را هم به مصر آورده بود، البته او بیش از ۱۸ پسر داشت و به‌روی هم تعداد فرزندان پادشاه حجاز به ۴۵ دختر و پسر می‌رسید.

در تمام میهمانی‌هایی که به افتخار ابن سعود بر پا شده بود من هم شرکت داشتم و چون از سفرای اسلامی دعوت به عمل می‌آمد، معلوم بود به علت داشتن مقام سفارت کبری، صندلی من در صدر تالار قرار داشت، میز غذا خوری بسیار طویل بود و صندلی من بغل دست ابن سعود و دست راست پادشاه عربستان هم صندلی فاروق قرار داشت.

در سر میز غذا بیشتر صحبت‌های من با ابن سعود در اطراف قتل ابوطالب یزدی بود، و ابن سعود با خنده و داخل کردن سایر مسائل در صحبت‌ها میل داشت در اطراف این مسئله بحثی به عمل نیآورم، ولی در میهمانی بعدی این بحث را دنبال کردم و ابن سعود پادشاه که‌نسال عربستان، که سالیان متمادی با دشمنان خود در ریگزارهای عربستان مشغول جنگ بود، شدیداً از این عمل ابراز تأسف کرد و اظهار داشت حاضر و آماده می‌باشد به هر طریقی که میسر بوده باشد در رفع کدورت و تجدید روابط اقدام نماید. ابن سعود بر خلاف انتظار من با دست غذا نمی‌خورد، بلکه از قاشق و چنگال استفاده می‌کرد، پشت سر ما دو نفر از فدائیان او با شمشیر آخته ایستاده بودند و شمشیرها را در دست داشته به شدت حاضرین را که عبارت از شاهزادگان، وزراء و سفرای کشورهای

ص: ۱۴۳

اسلامی بودند نظاره می کردند، تا اگر دست از پا خطا نمایند سر آنها را با یک ضربه شمشیر از تن جدا سازند. برای حفظ جان ابن سعود آنچنان مراقبتی شده بود که فدائیان او اجازه ندادند پادشاه عربستان در اتاق‌های راحت و مجلل قصر زعفران به استراحت پردازد، بلکه در وسط باغ زعفران چادر برپا کرده و ابن سعود در داخل این چادر می خوابید و ده‌ها نفر از فدائیان که شمشیرهای لخت در دست داشتند تا صبح از چادر ابن سعود محافظت می کردند (۱)

۱- بیستمین سالنامه دنیا، صص ۱۲۹ و ۱۳۰.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت های گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

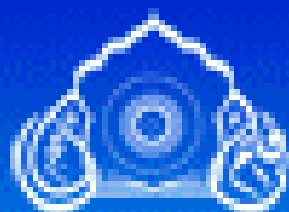
ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

